

حزب توده و شعار سرنگونی رژیم

یکی از بحث‌هایی که این روزها در محافل سیاسی و در بین ایرانیان خارج از کشور رونق بیشتری یافته، اینست که: آیا پس از آنکه کمیته مرکزی حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در بیانیه مشترکی خواهان مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی شد، می‌توان آنان را یکی از نیروهای داخل اپوزیسیون بشمار آورد؟ البته نباید از نظر دور داشت که در شرایطی بقیه در صفحه ۴

از مبارزات قهرمانانه پیشمرگان کومه‌له حمایت کنیم!

نشریه پیشرو شماره ۶ ارگان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه‌له در مقاله‌ای تحت عنوان "نگاهی کوتاه بر فعالیت‌های نظامی پیشمرگان کومه‌له علیه نیروهای جمهوری اسلامی" در سال ۶۳ با ارائه آمار عملیات نظامی به جمع‌بندی از یک سال مبارزات قهرمانانه پیشمرگان کومه‌له می‌پردازد. نظری بر آمار عملیات پیشمرگان بقیه در صفحه ۱۷

قیام ملی سی تیر

در تاریخ هرملتی لحظات و ایام فراموش نشدنی بسیاری وجود دارد. خاطرات و حوادث بیاد ماندنی فراوانی این روزهای تلخ و شیرین را با سرنوشت ملت‌ها پیوند می‌دهد و در واقع پلی می‌سازد بین گذشته، حال و آینده. در تاریخ پر از فرازونشیب میهن مانیز روزی استیرماه ۱۳۳۱ از اهمیت تاریخی ویژه‌ای برخوردار بود. همد رستی "روز مقدس ملی" نامیده شد. هاست. تظاهرات عظیم پرشکوهِ سی تیر نمایانگر تجلی خواست‌های برحق ملتی بیدار و مصمم بود که برای کسب آزادی و دفاع از حقوق خویش با رشادت و فداکاری بقیه در صفحه ۲

رابطه حزب توده و

راه کارگر

در تاریخ ۷ ژوئن ۸۵ اطلاعاتی از طرف ۵ نیرو (۱- هواداران چریک‌های فدائی ۲- پیروان جنبش نوین کمونیستی ۳- هواداران سابق بیگار ۴- جبهه همبستگی ۵- هواداران اتحادیه کمونیست‌ها) در سیمینوسیت‌ها ریسس بخش گردید که در آن به توطئه‌ها و کوشش‌ها بقیه در صفحه ۸

خشت اول چون نهد معمار کج ...

تعمین نرخ ارز و ارتباط آن با رشد اقتصادی و همچنین مشکلاتی که بر اثر اجرای چنین سیاستی گریبانگیر رژیم میشود را مورد بررسی قرار داده‌است. با توجه به دلیل ذکر شده ثابت میشود که بنا بر ماهیت رژیم حل این مشکلات از قدرت وی خارج میباشد رژیم بقیه در صفحه ۲

چندی پیش در زمینه اقتصاد روزنامه اطلاعات بتاريخ ۶۴/۲/۸ سلسله مقالاتی تحت عنوان "نرخ ارز و تاثیر آن در اقتصاد" به قلم میهنس محمد نوروزی درج گردید. مورد که مطالب مندرج در آن قابل توجه میباشد. نویسنده با ذکر آمار و ارقام و بیان دلیل و نمونه‌های زند و هوملوس مسئله

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران!

بقیه از صفحه ۱

قیام ملی سی تیر

بسیار بها خاست و با پشتیبانی از همبر ملی و محبوب خود ، تجلیل شایسته ای از وی بعمل آورد و نشان داد که در مبارزه حق و ناحق و در رسایه اتحاد و یکپارچگی میتوان به پیروزی نایل آمد .

قیام ملی سی تیر ما هرگز زبونی است در صفحات تاریخ مبارزات آزاد بخواهله و حق طلبانه ملت ایران . در مورد این روز بزرگ و نقش برجسته در کسره صدق و خدمات ارزشمند وی بعنوان وطن پرستی آگاه و مدافع سرسخت آزادی ، استقلال و دموکراسی که با قاطعیت کم نظیری در برابر استعمار و استبداد قد علم کرد و از دشوار پها نهراسید ، سخن فراوان است و صرفا نقل و تکرار خاطرات گذشته و تحسین صدق کافی نیست .

آنچه در این رابطه حائز اهمیت بسیار است ، نتیجه گیری و آموختن از تجربیات و درسهای گرانبهای آن دوران میباشد . باید ضمن آگاهی دقیق و شناخت صحیح از واقعیات آنزمان و توجه به پیروزیها و شکستها ، طلع عدم استمرار حکومت ملی و مستقل در کسره صدق و نقش مخرب احزاب و نیروها و عناصر ضد ملی و مرتجمی که در این شکست ، نینفع و سهیم بودند ، مورد نقد قرار گیرد . قیام سی تیر نشان داد که هرگاه شرایط مناسب و مساعدی مهیا باشد ، اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران از هر طبقه ، گروه و صنفی تحت رهبری ملی و دموکراتیک و با همبستگی و اتحاد میتوانند در مقابل دشمنان خارجی و عوامل سرسپرده را خلیشان مقابله و ایستادگی نموده و آنانرا مجبور به عقب نشینی نمایند . از این قیام هر شکوه و فرور آفرین نه تنها

بقیه از صفحه ۱

خشت اول چون نهد معمار کج

جمهوری اسلامی بدلیل اتکای کامل به سه در آمد تک محصولی نفت است که میتواند بحیات خود ادامه دهد . البته باید متذکر شد با توجه به موضع گیری جناحهای دینی رژیم ، با مطالعه این مقاله خواننده روشن میگردد که نظرات شخص نویسنده با خطوط سیاسی نهضت آزادی و جناح حجتیه همسویی دارد . نویسنده مقاله نیز مانند همفکران خود با وجود مخالفت با سیاستهای جناح مخالف - کهر تصمیم گیریهای سیاسی و اقتصادی اتخاذ شده از جانب رژیم حاکم میباشد . چگون منافعشان در ادامه حیات رژیم نهفته است به همکاری خود با آن ادامه داد و در جهت "حل" مشکلات اقتصادی رژیم تلاش مینماید .

اما قبل از پرداختن به این مسئله به برخی از نکات قابل توجه مقاله منطقی میافکیم : برای انجام دادن تعادل تجاری بین کشورهای مختلف ، مسئله تعیین نرخ رسمی و ثابت برای تبدیل ارزها ، از جانب اکثر کشورهای مخصوصا کشورهای جهان سوم عمل بسیار رایجی است . مبنای اصلی این تبدیل و تعیین ارز بر حسب میزان طلا و پشتوانه پول صورت میگیرد . و چون این پشتوانه یک امر غیر واقعی است بنابراین سیاست تشبیه نرخ تبدیل ارز بصورت نرخ ثابت و رسمی صحیح و واقعی نمیشد . با تعیین نرخ ثابت و رسمی ارز ، چون صادر کنندگان و وارد کنندگان مجبورند با دلا

بقیه از صفحه مقابل

قدرتهای استعماری و عوامل سرسپرده شاستند و وحشت نمودند و متوسط همبر علیه آن برخاستند بلکه حزب تود که سازمانی سیاسی بزرگ و متشکل در آنزمان بود ، با استفاده از ارگانهای تبلیغاتی خود ، شدید ترین حملات و تهمت های ناروا را بر علیه صدق و پارانش وارد نمود و همزمان با صدور اعلامیه شدید الحن قوام السلطنه (در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۱۱) - که در آن ملیون و آزاد بخوها را " آشوبگر" خوانده و مورد تهدید قرار داد بود - این حزب نیز به همصد این باد دشمنان ملت ایران پرداخت و با عنوان کردن اینکه صدق از اردوی - غارتگران و متکی به امپریالیسم جهانخوار بین المللی" است که فقط منافع آمریکادار نظر دارد ، در حقیقت گوی سبقت از نیروها و عناصر ارتجاعی ، مستبد و فاسد را ریود و برجانبش ملی و آزاد بخواهانه ملت ایران ضربه زگی وارد ساخت ، از طرف دیگر متاسفانه صدق و همفکرانش نیز علی رغم

کوششها و فد اکا ریبهای بسیار و اتکا به نیروی عظیم ملت به علت برخورد ارتبوندان از بسک تئوری علمی و روشن و مدبرانه ای در قیاس و مدون ، فاقد آن تشکل و سازماندهی بودند که لازمه وضامن رشد و پیروزی هر جنبش ملی - دموکراتیکی میباشد . در نتیجه نتوانستند در مقابل توطئه های دشمنان داخلی و خارجی ایران سرانجام موفق گردند . اکنون که رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی جمهوری اسلامی حتی از نام صدق و وحشت دارد و کلیه نیروهای ملی ، مبارز و آزاد بخواه را مورد حمله و سرکوب قرار میدهد ، حقانیت و لزوم مبارزات ملی - دموکراتیک به پیش از هر زمانی عیانتر میگردد . بهیچوجه نیست که رژیم از قیام ملی سی تیر بنام قیام افتخار آفرین امت مسلمان به رهبری و دعوت آیت الله کاشانی سخن میراند و سعی میکند از این حرکت ملی بنفع خویش بهره برداری نماید . ماضی ارج نهادن این روز بزرگ ، خاطر ه پرشکوه قیام ملی سی تیر اگر ای میداریم ۱۰۰

بقیه: خشت اول چون نهد معمار کج . . .

ارزی خود را از طریق خرید و فروش ارز بوسیله دولت انجام دهند، بنابراین دولت در هر مبادی اقتصادی مستقیماً در حالت مینماید. به علت اینکه امکانات تهیه ارز خارجی برای دولت بسیار محدود میباشد و معمولاً تنها از طریق خرید ارز صادر کنندگان نیاز ارزی خود را فراهم میکند. اما این مقدار ارز نمیتواند در خواست ارزی متقاضیان را پاسخ گوید و دولت برای تهیه احتیاجات ارزی خود ناچار است به چاره جویی دست بزند و برای این کار در راه حل را در پیش روی دارد. یک راه حل اینست که از کشورهای دیگر درخواست و نمایند. اما این راه حل جامه عمل نخواهد پوشید زیرا به علت عدم امکان برگشت این وام از طرف کشور مقروض، هیچ کشور وام دهندند های حاضر به قبول این امر نیست. و با اینکه از طریق استخراج بی رویه منابع معدنی مانند نفت و فروش آن در بازار جهانی مقدار ارز مورد نیاز خود را رفع نماید. البته استخراج بی رویه نفت بازاری بین المللی انباشته میشود و بدین ترتیب قیمت آن پایین میآید با پایس آمدن قیمت نفت، از قدرت خرید کشورهای دیگر کند فنیز گذشته میشود و در نتیجه جنس کمتری از کشورهای خارجی میتواند وارد کند. بدین ترتیب ثروت کشورهای دیگر در منابع معدنی بسوی کشورهای صنعتی سرازیر میگردد.

از طرف دیگر زمانی که مرزها بسته شود تقاضای عمومی جامعه نباشد تورم موجود میباشد و ایجاد این تورم قیمت اجناس داخلی افزایش مییابد. اما به علت ثابت بودن نرخ ارز که از طرف دولت تعیین شد، مستقیمت کالا های وارداتی ارز آنتر تمام میشود. بنابراین این مصرف کنندگان بجای استفاده از اجناس داخلی با جناس خارجی روی آورند و

این امر افزایش واردات و از بین رفتن تولید داخلی را در پی خواهد داشت. برای روشن شدن این مسئله مثالی میزنیم. اگر فرض کنیم نرخ رسمی ثابت هر دلار ۷۵ ریال و نرخ آزاد آن ۷۵۰ ریال باشد، در واقع نرخ آزاد هر دلار نامانگروضع اقتصادی جامع است یعنی در داخل کشور تولید هر جنسی به این قیمت تمام میشود. بنابراین بفتح تولید کنندگان و مصرف کنندگان میباشد که از اجناس خارجی که دلار ۷۵ ریال میباشد استفاده نمایند و از طرفی وارد کنندگان از هر دلار ۷۵۰ ریال سود میبرند. با توجه به مسائل فوق چون تولید داخلی را نمیتواند با مشابه خارجی خود رقابت نماید، از میزان سرمایه گذاری در صنعت تولید داخلی - به علت اینکه مقرون به صرفه نبود و ضرر میدهد - روز بروز کاسته میشود و بدین ترتیب صنعت داخلی از بین میرود. این مسئله در مورد صادرات نیز صادق است. چون قیمت اجناس و کالا های صادراتی بر مبنای قیمت آزاد کالا که همان دلار ۷۵ ریال میباشد، تعیین میشود، صادر کنند مجبور است ارز بدست آمدن از فروش کالا های صادراتی خود را به قیمت نرخ رسمی یعنی دلار ۷۵ ریال به دولت بفروشد، این امر موجب ضرر میگردد. در این باره صد و فروش شمال روشنی است. صادر کنند، فروش خود را در بازار کشور خریداریه قیمت تعیین شده از طرف آن کشور میفروشد و چون مجبور است ارز حاصل از فروش فروش خود را با قیمت ۷۵ ریال به دولت بفروشد، در آن صورت سرمایه بدست آمدن از خرید فروش در بازار داخلی کمتر خواهد بود. از طرفی به علت رقابت بازارهای خارجی، صادر کنندگان امکان ندارند فروش را از قیمت تعیین شده آن در بازار خارجی گرانتر بفروشد. بنابراین صد و فروش نیز مقرون به صرفه نیست و با این علت است

قاجاق فروش زده ها و غیر قانونی آن از مرز و فروش آن در بازار بین المللی، ارز آزاد بدست میآورد. و از طریق فروش ارز بدست آمده در بازار داخلی به قیمت غیر رسمی از سود کافی بهره مند میگردد. بهینموضع کشاورزی به چه صورت است. سیاست کلی دولت این است که بعنوان کمک به کشاورزان و مصرف کنندگان بعضی از تولیدات مانند گندم، برنج، دانه های روغنی، توتون و غیره را با قیمت های رسمی اعلام شد. این قیمت ها با توجه به قیمت بین المللی این کالا ها و نرخ دلار ۷۵ ریال تعیین میشود. از کشاورزان خریداری نمایند. برای مثال اگر بر مبنای قیمت برنج کیلوش ۶۵ ریال و گندم ۲۰ ریال باشد دولت برنج را کیلوش ۲۵ ریال و گندم را ۴۰ ریال از کشاورز میخرد. در نگاه اول بنظر میرسد که این مسئله کمک بزرگی به کشاورزان است اما با نگاهی عمیق تر و با نظر گرفتن میزان نرخ ارز واقعی که فرض نمودیم هر دلار ۷۵۰ ریال میباشد، متوجه میشویم که قیمت واقعی برنج کیلوش ۴۰۰ ریال و گندم ۸۰ ریال است. با این نظر گرفتن هزینه زندگی یک دهقان که بر حسب قیمت های واقعی یعنی برنج کیلوش ۴۰۰ ریال، گوشت کیلوش ۹۵۰ ریال، ماست کیلوش ۱۵۰ ریال و نان کیلوش ۸۰ ریال تعیین میشود، متوجه میشویم تولید چنین مخلصولاتی برای کشاورز صرف ندارد. زیرا از درآمد حاصل از فروش این محصولات نمیتواند احتیاجات روزمره زندگی اش را تامین نماید و در نتیجه روز بروز وضعیت گیش وخیمتر میگردد.

به علت اینکه دولت کشاورزان را مجبور به فروش محصولات خود به نرخ رسمی تعیین شده میکند و بنابراین گندم و ماست و نان در آمد حاصل از فروش این محصولات، مخارج جاری کشاورزان جبران نمیکند و بخش

بقیه از صفحه ۱

حزب توده و شعار سرنگونی رژیم

نشریه "نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران - با موضوع شناسی و ظرافت خاصی - به مطرح کردن شعار "پهروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران" (۱) میپردازد، که رژیم مواجبا بحرانهای شدید و امنه اری است؛ و مردم مستعد دیده ایران بتنگ آمد هاند و ممکن است هرگز نتوانی رلهند بید. این در حالی است که اپوزیسیون نا همگون و از هم گسسته و از درون بهمارد لایسل شخصی بد هما تک تقسیم شد هود درون هرکدام از نیروهای عمد ه اپوزیسیون تضاد های روبر شد و خطرناکی در حال شکل گیری است. بطوریکه بعلمت فقد ان رهبری آگاه، صحیح و دلسوزی که فساد ناپذیر و حقیقت طلب بود هود رعین حال با برخورد اری از تجربیات سیاسی و تاریخی و روش علمی بتواند از نفوذ و رشد نیروهای ضد د موکراتیک جلوگیری جلوگیری کند، هیچگونه تشکیلات و سازماندهی منسجمی وجود نند ارد تا بتواند آزاد بخوانان ایران را متحد کند و از حمایت مردم بهره مند شود! حال حزب توده ایران با برخورد اری بودن از گذشته مشعشعمانه و "انقلابی" در راستا رژیم مذ هبی فاشیستی آقای خمینی، صفحه اول نشریه "نامه مردم" را مزین به شعار مبارزه در راه سرنگونی رژیم نمود هاست؛ آیا خواننده منصف هبی غرض میتواند بدین پرسش پاسخ گوید که: برآستی هدف واقعی حزب توده هاین سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار د مکراسی و آزادی در ایران است؟ ناچهانند از های میتوان حزب توده ارد اینتر اجدی تلقی نمود؟ آیا این حزب توده نمبود که پیش از هرسا زمان و گروهی با برخورد اری از سوابق منند سیاسی، اید فلولویک و تشکیلاتی در حمایت صمیمانه از رژیم جمهوری اسلامی و شرکت فعال نند در مبارزات ضد امپریالیستی "توانست در رسهای گرانبهای بهر هیران رژیم آموزش د هدد؟ آیا یک مشت آخوند ناد ان عقب ماند مبرهبری آقای خمینی میتوانستند بد ون یاری ثنور پسینهای زید ه، کار کشته و مخفی حزب توده هزما دورا بنحو بسیار بقهای در دست گیرند و در یک منطقه حساس و استراتژیک "عجاز" آفرینند؟ پس چرا حزب توده که خود در تقویت رژیم اسلامی و تعلیم و تربیت آقای خمینی و سایر آخوند های "زاد یکال" نقش بسیار مهم و اساسی اجرا نمود ه، اکنون در رصد سرنگونی همان رژیم است که اینهمه تلاش، انرژی و قربانی در راه استقرار آن نثار کرد هاست؟ حزب توده ایران از کد امتضمن علمی و تشکیلاتی کافی برخوردار است که در صورت سرنگون شدن رژیم کنونی قدرت سیاسی را نیروها و عوامل "انقلابی" در دست

گیرند؟ و آیا همانگونه که حزب توده ایران در راستا رژیم جمهوری اسلامی نقش عمد های را ایفا نمود، اگر واقعا بخواند میتواند سقوطش را فراهم آورد؟ در این میان برخی از ایرانیان ممکن است بیان کنند: "شماره چهارم نقش حزب توده ایران آنهم در شرایط کنونی انحراف منیما هم اکنون رهبران حزب توده ایران همگی یاد رزند انهای رژیم پسر میرند و با متواری شد هوه خارج از کشور گریخته اند و یاعد های نیز غیر سیاسی" شد هود را ایران بهگذران زندگی مشغولند. بنا بر این حزب توده از نظر سیاسی و تشکیلاتی مرد هاست "و نمیتواند نقشی اساسی در سر نوشت سیاسی کشور آنهم در داخل ایران بر عمد هداشتها شد ه باید با کمال صراحت بیان کرد که واقعیتهای ایران در ست خلاف این امر اثبات میکند: کافی است بر اختلافات بسیار شد یسد جناحهای مشخصی که در مبارزه مرگ و زندگی درگیر هستند نظری بیفکیم: آیا ترور سر لشکر قره منی، ترور مطهری، مفتوح و... اشغال سفارت آمریکا، سرنگونی د ولت آقای بازرگان، ترور با هنرور جانی، بمب گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی و کشته شدن بهشتی و قری صد تن از رهبران رژیم، دستگیری و اعد امهرا با شکجه "آقای صادق قطب زاده نمونه های چند ی از این مبارزه سر سختانه ایمان میسازد؟ آیا جناح "مترقی" و "ضد امپریالیستی" نتوانسته است با تدبیر و ظرافت رقهای خود را از سریر قدرت بزیربکشد؟ بالا تراز اینها هم اکنون خطوط اصلی رژیم، در زمینه سیاستهای داخلی و خارجی، جنگ ایران و عراق، صد و انقلاب اسلامی، "آزادی قدس" و همراهی در سرکوب فلسطینی ها و مبارزات قهرمانانه سازمان آزاد پیشش فلسطین بر رهبری با سر عرفات و حمایت همه جانبه و مقابل از د ورژیمیلی و سوریه راجه کسانی تعیین میکنند؟ و این خطوط سیاسی اید فلولویک با نظرات حزب توده ایران چهانند از متفاوت دارد؟ آری این خطوط سیاسی، اید فلولویک و تشکیلاتی در ایران از آسمان نازل نشد هاست، کاریک مشت آخوند روضه خوان و ناد ان هم نیست؛ این خطوط د ارای نمایندگانی بسیار تجربیه وزیرک میباش که تا سافاننده در مسیر حرکت تاریخ بلکه در جهت متوقف کردن آن تلاش میکنند و آنان همان کسانی هستند که در راه خطوط غلط و انحرافی و "خطاهای حزب توده در سیاستهای داخلی و خارجی ایران - در فقد ان یک نیروی آزاد بخوانان ه، مترقی و ملی - نقش بس مؤثر اما مخربی را در سر نوشت میهن ما ایفا میکنند. بنا بر این مطرح کردن شعار "مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" از جانب حزب توده بد ون دلیل ویرنا مریزی و ارزیابی همه جانبه وضع داخلی و خارجی ایران نمیتواند صورت گرفته باشد! حزب توده مبررسی د قیق از شرایط مشخص ایران و شناخت از موقعیت جناحهای غالب و مغلوب و وجود آن نیروهای که در رون رژیم اسلامی و در حاکمیت در



بقیه : حزب تود و شعاع سرنگونی رژیم

طی شش سال گذشته وفاداری خود را به خط مشی "ضد امپریالیستی" رژیم‌های گوناگون بسیار ثابت نمود و از قدرت روزافزونی برخوردار می‌باشند - تا در موقع مناسب بتوانند بایک اشاره رژیم جمهوری اسلامی را با حذف اسلام، از صورت یک رژیم مذهبی فاشیستی خارج کرد و آنرا بصورت یک دولت غیرمذهبی و "مکراتیک" در آورند - به شعاع سرنگونی رژیم تود و برگردید ماست. بهیهود نیست که حزب توده در میانها خیر با توجه تضاد های داخلی در درون رژیم اسلامی می‌نویسد: "در رون هیات حاکمه جناح‌های گوناگونی وجود دارند که در زمینه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی باهم اختلاف دارند توجه به این تضادها و استفاده از آنها امری است ضروری... بن‌تربد آن عناصری از وابستگان رژیم که ضد فائده‌ارتجاع مخالفند و از هیات حاکمه برگردان می‌شوند جای خود را در رژیم مبارزان واقعی بساز خواهند یافت" (۲) بدین ترتیب حزب تود با ایران امید تمام آن کسانی را که دل در گردن گرونیهای از جانب نیروهای طرفدار غرب بسته‌اند را، از هم اکنون نقش بر آب کرد ماست و همانگونه که با طرح شعارهای "موقع" در طی ۶ سال گذشته نتوانست در کلیه ارگانهای رژیم نفوذ کرد ما شغال سفارت آمریکا را رهبری و هدایت نمود و سقوط دولت متزلزل بازرگان را فراهم آورد، اکنون نیز مانند شعبده‌ماهری در حال اجرای چشمپندی جدیدی تحت عنوان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. حزب تود با ایران از هم اکنون برای روزهای پس از خمینی در حال برنامه‌ریزی است. زندگی بودن رهبران سابق و شناخته‌شده حزب تود تغییری در برنامه‌های دراز مدت نمیدهد. کارهای مجرب و پنهان و آشکار دیگر بسیاری هستند که اجرای سیاستهای "نقلی" را برعهده بگیرند. نینگاهی به سیر حوادث و رویداد های گذشته ما را بهتر با سایل کنونی آشنا میکند: دستگیری رهبران حزب تود و تبعید باران برخی از آنان، همچنین لورفتن افرادی مانند فرمانده نیروی دریائی ناخداافضلی رویداد هائی بودند که درین فراآقای آن در پیویچ کوزیچکین از سفارت اتحاد شوروی در تهران صورت پذیرفت و جناح غالب "رادیکال" مجبور گردید تا در مقابل جناح متزلزل حجتیه - بازرگان عقب نشینی تاکتیکی و حساب شده ای بعمل آورد. آنان حتی ۸ تن از ارکان سفارت شوروی را نیز اخراج نمودند و اجازه دادند آقایان جناح حجتیه - بازرگان هر چه دلشان میخواهد بگویند و طی چندین گذشت، وقتی آنها از آسیاب افتاد تعرض در باره خود را شروع کردند. لورفتن، دستگیری و اعترافات برخی از رهبران حزب تود در رجا معه ایران چون آشکار شدن نونکوه‌یخی در سرپا های شمال است. جناح غالب "رادیکال" موسوم به میروان خط امام هم اکنون ۸۰٪ از ارگانهای رژیم را در دست دارد و آقای خمینی را مانسند

مترسکی بهتر تر تیبی که خواهند بحرکت در می‌آورد در عین حال رابطه این جناح با حزب تود و نظیر عدم دستگیریها و اعدامها بسیار نزدیک و تنگاتنگ است. به همین دلیل آنان تلاش بسیار مینماید داشته‌اند تا مانع اعدام رهبران دستگیر شده حزب تود بشوند. آنان در مقابل کلیه فشارهای انتقام‌جویانه جناح حجتیه - بازرگان که بعلمت شکنجه و اعدام آقای صادق قطب‌زاد و سایرین درگیرهای دیگر تشدید شده بود، - جناح حجتیه بازرگان براستی بر این باور بود که کلیه سران حزب تود بعد از محاکمه تیرباران خواهند شد - مقاومت کردند و کوششهای آنان را در این مورد خنثی نمودند.

نقش حزب تود و جناح غالب در مورد تظاهرات اخیر قابل توجه می‌باشد. آنان با رشد مخالفتها و تظاهرات علنی مردم علیه جنگ ایران و عراق با اتخاذ سیاستهای پیچیده از یکطرف با فرستادن برخی از عوامل و جاسوسان خود بدرون تظاهرات و تظاهرات در مخالفت با رژیم اسلامی و مخالفت با جنگ به شناسائی عاملین اصلی تظاهرات میبرد ازند و از طرف دیگر با بحرکت در آمدن در پیشاپیش مردم

خشمگین و تنگ آمد مسرتخ جریانات را در دست گرفته از وقوع هرگونه حرکت و طغیان کنترل نشد و جلوگیری بعمل می‌آورند. بنا بر این جناح غالب پیرو خط امام و حزب تود با ایران و سایر نیروهای که در درون رژیم جمهوری اسلامی دارای مواضع مشابه و نزدیک می‌باشند، با پیش بینی ها و اقدامات لازم خود را برای حوادث بعدی (مانند مرگ خمینی، مبارزات و اعتصابات خود بخودی سراسری، رشد تصاعدی مخالفتهای مردم علیه رژیم و علیه جنگ...) آماده میکند برنامهریزیهای دقیق و حساب شده وین میگرد و در مرحله بعدی به موقع اجرا گذارد میشود و مردم ایران و جهان با حیرت ناظر رویداد هائی میگردند (این رویداد های عجیب در ۶ سال گذشته بارها بارها بوقوع پیوسته) که نمیدانند چرا و چه دلیل و چه چه صورتی رخ داد و چه کسی در پس پرده رهبری آنرا در دست داشته و منتظمین آن پرده‌آخته و آنرا به مرحله اجرا در آورد ماست؟ این امر در حالی است که این نیروی غالب و پیچیده با موانع کوچک و قابل کنترل روبروست و هیچگونه مشکل و سازمانی وجود ندارد تا بتواند در مقابلش ایستادگی کند. جناح حجتیه - بازرگان نیز بعلمت و لیبستگی به منافع آزمندانه خود به ملت ایران خیانت کرده و با محافظه‌کاری بیش از حد و برخورد ارنه‌ودن از تشکل و سازماندهی مانند مردم در دست آنان به بازی گرفته میشوند. بدین ترتیب باید انتظار داشت که در صورت تحقق پیدا کردن شعار "پیروزی با مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم اسلامی" تحت رهبری حزب تود و سایر نیروهای که دارای مواضع و اهداف مشابه و نزدیک می‌باشند، رژیم بروی کار خواهد آمد که البته اسلامی نخواهد بود یا در ظاهر هم شاید نامی مانند "جمهوری

بقیه از صفحه ۵

حزب توده و شعار سرنگونی رژیم

د مکرراتیک" یا چیزی شبیه آنرا برایش انتخاب کنند. ولی از هم اکنون با کمال اطمینان باید گفت که اگر د سرکوب کرد آنها و کشتارها د رایجاد خفقانی هولناک و د رسلب آزاد بهای د مکرراتیک بد تراز رژیم جمهوری اسلامی نباشد، بهتر نیز نخواهد بود. تا اینجا ما نقش حزب توده د ایران و د لایل مطرح کردن شعار سرنگونی رژیم از جانب این حزب را د ر داخل ایران مورد بررسی قرار دادیم. حال ببینیم حزب توده د ر خارج از کشور و د بین اپوزیسیون بی د رویکردی که اهداف و برنامه هائی را د ر سر د ارد ؟

حزب توده د ایران با سابقه طولانی تشکیلاتی و سازماندهی که د ر خارج از کشور د ارد، اکنون مدتهاست با مهارت خاصی د ر گروههای مختلف اپوزیسیون رخنه کرده و با بهره برداری از تجربیات گذشته، کوشش نمود هاست، تا بتواند از د رون آنرا تحت نفوذ اید ثلوزیک تشکیلاتی خود قرار دهد. باید با کمال صراحت اذعان نمود که حزب توده مهاجرت و استفاد ه از نقاط ضعف گروههای مختلف اپوزیسیون توانسته است قدمه قدم و آرام آرامه تنها آنها را تحت نفوذ د ر آورد، بلکه د بین برخی از آنان و د سطح رهبری خط مشی خود را بطور همه جانبه تحمیل کند. براسستی آنان همانگونه که د رژیم جمهوری اسلامی با ظرافت تمام از همان ابتدا توانستند با استفاد ه از شیوه های ارباب شهیدید، تطمیع، ترور، بمب گذاری و... بد رون ارگانه های مختلف نفوذ کنند و از این طریق د ر یک پروسه پیچیده د پیروان خط امام و آخوند های "رادیکال" را بر سرند قدرت بنشانند اکنون هم توانستند با استفاد ه از همان روشها مانند چتری اپوزیسیون خارج از کشور از زیر سایه خود قرار دهند. ممکن است برخی بععل گوناگون مانند ۶ سال پیش واقع بینی نیروهای آزاد یخواه و د مکرراتیک را د رمورد نقش حزب توده ندید ه و یا نخواهند ببینند. اما از حقیقت نمیتوان فرار کرد و آنرا با تمام تلخی اش باید پذیرفت. زیرا بهر حال با گذشت زمان حقایق آشکار خواهد شد. تنها د ر آن هنگام بهم آن می رود که آب از سرگدشته باشد و امان و وفان ما مانند نوشد اروی بعد از مرگ سهراب جلوه دهد و د ر مقابل خود چند د ر داخل کشور و چند ر خارج جوی را حکمفرما ببینیم که د ر آن نغمه آزاد یخواهی و د مکراسی با سمعیت و بیرحمی تمام د ر نطفه خفه کرد. اینست که د ر شرایط کنونی هدف اصلی حزب توده د ر د رون اپوزیسیون جلوگیری از تشکل نیروهای آزاد یخواه و د مکرراتیک است. حزب توده مهاجرت و نظر گرفتن نقاط ضعف نیروهای آزاد یخواه و مترقی با استفاد ه از شیوه های مختلف کوشش میکند د ر ابتدا ای مسر آنان را مجبور به اتخاذ مواضع ضد و نقیض و سپس خطوط انحرافی و غلط نماید. بدین ترتیب این نیروها اعتباری را که د ر اثر موضع گیریها حق طلبانه و آزاد یخواهانه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی د ر بین مردم

کسب نمود هاند، از دست بد هند و بی هویت گردند. اینکه چرا برخی از سازمانها، گروهها و شخصیتها و افراد ناگهان مواضعی را اتخاذ میکنند که با خطوط قبلی آنان ۱۸۰ درجه اختلاف د ارد و برخی اوقات بحثا به یک خود کشی سیاسی بایک حفاقت بزرگ محسوب میگردد، نمیتواند جدا از اعمال فشارها و تهدیدها و تطمیع های پشت پرده باشد. آیا خوانند عزیز و هوشیار ما میتوانند به د کر چند نمونه از مثالها فراوانی که د بین رهبران شخصیتها و روشنفکران صاحب نام و سرشناس سیاسی اپوزیسیون وجود د ارد، بهره برد از وسوایق آنها و موضع گیریها مختلف، متضاد و غیر منطقی شان را بر شمارد؟ و آیا یک سازمان، گروه و یا فردی د بین کل اپوزیسیون وجود د ارد تا شجاعت و شهامت بخرج د اد ه و دست این قبیل آقایان برمد عار او کند و آنها بگوید: "آقایان پس کنید، دست از سر این مرد مهد بختی که بعلت نادانی و تعصب و هزارویک د ر د یگروا قعیتهار نمیتوانند ببینند بردارید بخاطر خودتان هم که شد میگذارید نفسی بکشند! و حال که خود را د ر با طلاق عمیقی قرار داد هاید، ادعای رهبری و روشنفکرانه ای را بکناری بگذارید. اینست گوشه کوچکی از واقعیتهای تلخ پشت پرده و پنهانی د رون اپوزیسیون! حال د ر چنین شرایطی آقایان رهبران جدید حزب توده با مطرح کردن شعار پیروزیاد مبارزه خلق د ر راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی میخواهند "کلیه نیروهای ملی و مترقی" را برای رسیدن به اهداف ملی و مکرراتیک "د ر یک جبهه واحد" (۳) متشکل کنند! براسستی آیا امکان د ارد حزب توده د ایران بطور غیر علنی بتواند روزی رهبری اپوزیسیون را تحت لوای شعار فوق د ر دست گیرد؟ جواب ما بدین سؤال اینست که این امر تنها ممکن بلکه د ر صورت ادامه وضع کنونی و فقدان اقدامات ضروری آزادیخواهان راستین ایران کاملا عملی است. البته آنان نمیتوانند و عملی تحت نام حزب توده ایران بلکه تحت عنوان "ملی"، "مترقی"، "انقلابی" و "مارکسیست لنینیست" اینکار را انجام خواهند داد و از هم اکنون د ر حال مهیا کردن زمینه عملی چنین اقداماتی میباشند. حزب توده د ایران د ر د وجهه د ر حال مهیا کردن تدارکات بسیار جدی برای اجرای این طرح د ر آیند هاست. د وجهه های یکمی د ر داخل ایران و د ر د رون رژیم جمهوری اسلامی و د یگری د ر میان اپوزیسیون خارج از کشور تمام هم و فم حزب توده د را بخود جلب کرد هاست؛ تا با کوششهای همه جانبه و بهره گرفتن از کلیه امکانات داخلی و خارجی بتواند د رجبهت ایجاد یک رژیم ضد د مکرراتیک، ضد مردمی و یگری با حذف کلمات "قرون وسطائی" و "اسلامی" و جایگزین نمودن آنها با یکاتوری نوین قرن بیستمه آرزوی د برینه خود جا م عمل ببوشاند. بسیار خوب از نقش حزب توده د ایران د رموارد فوق باختصار سخن گفتیم، اما باین پرسش پاسخ د اد نمیشد: آیا د ر شرایطی که دشمن

بقیه از صفحه ۲۰

روضة خوانی ابریشمچی

هراس رهبری سازمان مجاهدین

در سخنرانی آقای ابریشمچی وحشت و هراس رهبری سازمان از جدائی و کاره-گیری اعضا و هوادارانش از سازمان به نحو بارزی عیان بود. ابریشمچی در بخشش از سخنان خود بیان نمود: من از تك تك بچه‌ها که از سازمان فاصله گرفته‌اند، در راستای مجاهدین می‌خواهم که ما بمانیم. آرید بیائید، نروید، شما حق آرید شك کنید. توضیح می‌خواهید؟ بند حاضر هر لحظه که بخواهید توضیح بدیم، سرمن درگسرو همین کار است. . . به زود ره‌نرزی شما احتیاج است. . . (تاکید از ماست)

آقای ابریشمچی بوالحنسی

"در موکرات ما بانه" ره‌سوی اعضا و هواداران نمود و متذکر شد که آنان حق شك کردن را دارا میباشند! باید گفت چه گذشت بزرگی رهبری در حق هواداران نموده است! لازم به تذکر است که در روید نوی سخنان قبلی، آقای رجوی و ابریشمچی نمتنها چنین "حق بزرگی" را برای اعضا و هواداران خود قائل نبودند، بلکه بالحن بسیار توهین آمیزی عنوان نمود بودند:

"... اما اگر کسی در میان شما هست که نفهمید و تودلش به سعید نیش زده، حال بسوز و بفهمه که اون موقع نمی فهمید و بر ما استغفار که..."

(بخش از سخنان ابریشمچی نقل از نشریه مجاهد شماره ۲۴۱)

و یا:

"... صبر کنید نمیدانم یکسال یا پنج سال یا ده سال دیگر خواهید فهمید..."

(بخش از سخنان آقای رجوی در همانجا) در مورد اینکه چرا سازمان مجاهدین

موضع قبلی خود را تخفیف داد و در واقع مجبور به عقب نشینی تاکتیکی شد. ماست، این امر ناشی از عکس العمل اعضا و هواداران و موج اعتراضات وسیع آنان نسبت به اعمای اخیر رهبری - که نمونه‌ای از این مخالفتها در مقاله‌های بنام گزارش بحث در رسیده در نشریه آزادی ایران شماره ۶ منعکس گردیده است - میباشد.

شیوه تبلیغ یا شیوه مغز شویی؟

در جلسه فوق نکته‌ای که پیش از هر چیز قابل توجه بود، بکارگیری روش مغز شویی رهبری سازمان مجاهدین در مورد اعضای خود میباشد. که در آن ابریشمچی مرتباً با استناد به تعدد ادشها، زندانیان، روز بزرگ ۳۰ خرداد و اشاره به اینکه زندانیان مجاهد حتی در داخل زندان این انقلاب ایدئولوژیک را درك نمود و هواری آقای رجوی بدین مناسبت هدایایی نیز ارسال کردند تا کید نمود: که هیچ مسئولی در داخل کشور از آنان جدا نگردید و... و بالحن ملتسمانه از جوانان خواست که از سازمان فاصله نگیرند، زیرا در غیر این صورت شانس بزرگی را از دست خواهند داد. و این نکته را تاکید نمود که صورت مسئله انقلاب ایران سازمان مجاهدین میباشد و اگر کسی در مقابل این سازمان ایستادگی نماید، در صف خمینی قرار آرید یعنی بنا بر تعبیر ایشان یا باید در ۱۸- صف رژیم خمینی قرار داشت و یا در ۱۸+ و در جبهه مجاهدین و شورائی ملی مقاومت و مرتباً با تاکید بر نقش رهبری و اینکه باید راه شهدارانش تحت رهبری سعید" ادامه داد به مغز شویی اعضا و هواداران پرداخت و از این طریق تمام کوشش خود را در جهت القای نظرات سازمان به اعضا و هواداران و همچنین شخص

پرستی بکاربرد و با اشاره به گذشته سازمان، کیش شخصیت را تا به آنجائی رساند که از گذشته شدن سعید محسن وزند همانند سعید رجوی اظهار رشاد مانی نمود و دلیل آنرا اینگونه بیان نمود که سعید محسن نمیتوانست نقش رهبری را بخوبی آقای رجوی ایفا نماید.

در ضمن همین سخنرانی وی مرتباً تصاویر افرادی که تحت تاثیر سخنان او به گریسه و زاری مشغول بودند در روید ثونشان داد و میشد.

ابریشمچی همچنین با اشاره به فرارسیدن روز ۳۰ خرداد از هواداران خواست که حتماً این روز را با یاد "شهدا" با شکوه هر چه تمامتر بپرانمایند. بی جهت نبود که این سخنرانی به فاصله نود يك به روز ۳۰ خرداد صورت گرفته بود و عرض يك هفته ۲ بار در ریارس به نمایش گذاشته شد. حتماً خوانندگان عزیز میتوانند به این مسئله جواب گوید که بر راستی بر اماند اختن مجلس عزاداری و ایجاد جو شهید پروری "سو" - استفاده از احساسات و عواطف مذهبی چه چیزی را در ذهن انسان تداعی میکند؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی از همین شیوه‌ها بهره نمیگیرد؟ و با سو استفاده از عدم آگاهیهای سیاسی و اجتماعی، معتقدات و احساسات مذهبی مردم در این زمینه کم عمل نمود ماست؟ آیا سازمان مجاهدین نمی‌بایست با تجربه از چنین روشهای مغز شویی از جانب رژیم، به طرد این شیوه‌ها بپردازد؟

مایه تاسف بسیار است رهبری سازمان مجاهدین که در جبهه مقابل رژیم خمینی قرار آرید در برای حفظ منافع گروهی خود و برای رسیدن به قدرت از چنین طرق و وسایلی استفاده میکند. آیا اتخاذ چنین شیوه‌هایی از سوی رژیم خمینی پس از آگاهیهای نسبی

بقیه از صفحه ۱

رابطه حزب توده و راه کارگر

عناصر توده‌های - اکثریتی برای حضور سیاسی یافتن در کنار سایر نیروهای موجود در سبته اشاره شد و از تمام نیروهای آگاه و مبارز خواسته شد هاست که با هوشیاری در رخنه کردن این جریانات ضد انقلابی همکاری کرده و موضعگیری نمایند.

پس از پخش این اطلاعیه بحثی در سبته صورت گرفت که منظر خوانندگان گرامی را به همان جلب می‌نمائیم: در رابطه‌ای بحث یکی از هواداران سابق پیکار طاعت در ماضی^۱ اطلاعیه فوق را از هواداران راه کارگر سوال نمود که یکی از آنان چنین پاسخ داد: اولاً این اعلامیه یاد می‌کند که شوروی را سوسیال امپریالیسم میدانند نوشته شده است و در جلسهای که در این مورد تشکیل شد بود برخی از گروهها میخواستند این نظر را بر ما تحمیل کنند. ثانیاً بحثهای تئوریک در صلاحیت کمیتهها زکشافی سپهت نیست. ما نیز نظرمان این بود که حزب توده، اکثریت، فرخ نگهبان و کشتگری‌ها نباید به سبته می‌بندند. و حتی نوشته‌های تهیه کرده و خوانندیم. از آنجائیکه در اعلامیه اد شده منظر گروه مخصوص غالب بود ما آن را ماضی^۱ نکردیم. بدنبال این سخنان یکی از هواداران سابق پیکار گفت: با وجود اینکه ما شوروی را سوسیال امپریالیسم میدانیم ولی این اطلاعیه ربطی به شوروی ندارد. ما اکنون با برخورد مشخصی در یک لحظه معین روبرو هستیم و آن توطئه خزند حزب توده و... برای تحمیل کردن خود در سبته است و همین منظر اطلاعیه‌ای صادر نمود و همه آنان هشدارند. در این اعلامیه نه سخنی از شوروی به میان آمد و نه از اردوگاسوسیالیستی^۱ و این تنها ما و اتحادیه کمونیستها نبودیم که اطلاعیه را ماضی^۱ نمودیم بلکه سایر گروههای شرکت کنند در جلسه فوق نیز که شوروی را سوسیال امپریالیسم میدانند:

این اطلاعیه را ماضی^۱ کردند. شما اشعاره کردید که در آن جلسه نوشته‌های تهیه کرده بودید، چرا آنرا بصورت اعلامیه جداگانه منتشر نکردیم و موضع مشخص خود را در این باره اعلام ننمودید؟ پس از ایشان یکی از هواداران اقلیت چنین گفت: " علت اصلی عدم ماضی این اعلامیه از جانب راه کارگر این بود که حزب توده و اکثریت و... را ضد انقلابی نمیدانند و با گذشتن جمله (جریانات توده‌های - اکثریتی ضد انقلابی هستند) در اطلاعیه مخالفت میکرد. راه کارگر در جلسه مزبور حتی جناح کشتگری از اکثریتی‌ها فرخ نگهبان جدا کرد و گفتند که هیچ مدتی وجود ندارد که ثابت نمایان آن در سرکوبها و ولودادن نیروهای مخالف رژیم شرکت داشته‌اند. وقتی ما در آن جلسه منظر راه کارگر را در رابطه با جلسه هواداران حزب توده به چند نفر از هواداران مادرد انمارک پرسیدیم، آنان گفتند که این موضوع مربوط به راه کارگر نیست. هوا دار اقلیت در راه ماسخنان خود گفت: چگونه وقتی که کشتگری‌ها میخواهند به سبته می‌بندند به آنها مربوط است و سینه خود را بسرای آنان سپهر میکنند. امروز راه کارگر برای حزب توده فحش کرده است و حزب توده... با داشتن چنین پشتیبانی است که خود جرات حضور در سبته را میدهند. و در رابطه با کشتگری‌ها باید گفت اینان همان کسانی هستند که شعار "سپاه پاسداران را به سلاح سنگین مجهز کنید" را میدادند. جریان آمل و افراد شرکت کنند در آن را ضد انقلابی و آمریکایی خوانند و خواستار اعدامشان شدند. در پوشش و وقتی فهمیدند یکی از هواداران ما و ۲ هوادار مجاهدین در خانه‌هایشان اسلحه دارند آنان را ولودادن و به سپاه پاسداران معرفی کرده و باعث دستگیری‌شان شدند که در نتیجه هر سه آنها اعدام گردیدند و نمونه‌های بسیاری از این قبیل را میتوان بیان نمود. آیا ایسن

نیروها را (حزب توده، اکثریت و...) به صرف اینکه از خود انتقاد کنند و با خواهان سرنگونی رژیم باشند را میتوان در مصف انقلاب به حساب آورد؟ به نظرمانه آنان در مرحله کنونی نیز ضد انقلابی هستند. پس از سخنان ایشان یکی از هواداران اتحادیه کمونیستها چنین گفتند: کلا تشکیل این جلسه و صدور چنین اطلاعیه‌ای از طرف ما پیشنهاد شد. در چندین هفته اخیر ما شاهد حضور فردی افراد توده‌های... در سبته بودیم، تعداد آنان ابتدا ۵ نفر سپس به ۸ نفر در آخرین هفته تعدادشان به ۱۸ نفر رسید. به همین منظور ما موضعگیری در باره آنان را در این مرحله ضروری حس کردیم و اطلاعیه‌ای تهیه کردیم که پس از تفسیراتی در جلسه بصورت فعلی در آمد. موضوعی که در این اطلاعیه پیش از هر همه چیز اهمیت دارد ضد انقلابی خواندن این نیروها است و ما تاکید میکردیم که جمله "ضد انقلابی" حتماً باید در اعلامیه گنجانده شود. همانطور که میدانیم خیانت‌های حزب توده و... در گذشت هر همگان آشکار است ولی در موقعیت کنونی که آنان به اصطلاح شعار سرنگونی رژیم را دادند و میخواهند با قرارداد آن خود را پویا بسویون فضای انقلابی را سموم کنند، ضروری است که دست این خائنین را با زخمود و به توضیح و افشای سیاستهای آنان بپردازیم. به همین دلیل ما تاکید داشتیم که کلمه ضد انقلابی حتماً در اطلاعیه آورده شود.

پس از این سخنان یکی از هواداران راه کارگر چنین گفت: " اینجانب بعضی از صحبتها بوسیله اقلیتها تحریف شد، مثلاً آنان گفتند که ما برای حزب توده فحش کردیم و ما اینک سینه خود را برای کشتگری‌ها سپهر نمودیم، ما کجا در اعلامیه‌ها بیان چنین سیاستی را در پیش گرفته‌ایم. ما همیشه گفته‌ایم که حزب توده به مردم خیانت کرده



شعر و ادب

به یاد عشقی شاعر ملی و آزادیخواه ایران

استاد عشق

عاشق را شرط تنها ناله و فریاد نیست تا کسی از جان شیرین نگذرد فرهاد نیست
تا نشد رسوای عالم کس نشد استاد عشق نپرسوا عاشق ، اندرفن خود استاد نیست
ای دل از حال من ولعل چه میبوسی برو ماد و تن شو پید مرا کاری بجز فریاد نیست
قلب (عشقی) بین که چون سرتاسر ایران زمین
از جفای گر خان یک گوشه اش آباد نیست

پیرشانی ایران

اید و ست بین بی سرو سامانی ایران بد بختی ایران پیرشانی ایران
از تیره بر آید بین ذلت مسا را این ذلت ایرانی و پیرانسی ایران
آوخ کلحد ، جای تو شد تا بقیامت! رفتی و ندیدی تو پیرشانی ایران
از وضع کوفی و زید بختی ملت زین فقر پیرشانی و پیرانسی ایران
گردید جهان تیره و گشت مست دلپتنگ گوش کشد محبسی و زندانی ایران
بگرفته دل بسخت از وضع کسوفی به چارگی و محنت و حیرانی ایران
(عشقی) بود ، از نوحه گریز و عجب نیست خون میچکد از پدای ایرانی و ایرانی

راه نجات

دانه خاک چه بیوست ، سری پید ا کرد
هر که شد خاک نشین ، برگ سری پید ا کرد
تا پیرشان نشوی ، راه بمقصد نگیری
بیهوش چون جامه فرو ریخت ، پری پید ا کرد

زبان سرخ

مگو کفنج چه چرا چاکچاک و دلخون است؟
که این نمایشی از زخم قلب بیجنون است
نمونه دل آزادگان بود : گل سرخ
چو این "کلیشه" اوراق سرخ دلخون است
زبان عشقی شاگرد انقلاب است این
زبان سرخ زبان نیست بپرق خون است

درد وطن

زاظهار درد ، درد مداوا نمیشود
درمان نما ، نه درد که با پای زمین زدن
میدانم ار که سرخط آزادی کسی ما
باید چنین نمود و جنای کرد چاره جست
رحمت برای خود کتن که خود بخود
کم گو که گاه و گیسست تو خود فکر خود نما
من روی پاک سجد نهاد چتر روی خاک
جانا فراز پده ، عشقی است جای تو
شیرین دهان بگفتن حلسوا نمیشود
این بستری نستر خود بسا نمیشود
با خون نشد نگاشته ، خوانا نمیشود
لیکن چه چاره با من تنها نمیشود
اسباب راحت تو بسببها نمیشود
با نام برده ، مملکت احیا نمیشود
زاهد پرو ، معامله ما نمیشود
هر جا برو ، ترا همه جا ، جان نمیشود

ایران

در ماهی که گذشت

اقرار رژیم در نابودی کشاورزی

علی رغم شعار تلاش برای "خود کفایی" در امر کشاورزی از جانب رژیم، وضع کشاورزی به حدی اسفناک می باشد که هر چند گاهی مقامات رژیم مجبور میشوند شمه ای از آنرا اقرار نمایند. بطوریکه در یکی از جلسات مجلس در تاریخ ۱ خرداد ماه، غلامرضا فدائی نماینده هاراک در باره وضعیت کشاورزی در ایران رژیم مبنی بر "محوری بودن کشاورزی"، اعتراف نمود که تاکنون برای این منظور وجهت استفاد از منابع کشاورزی، راهی و محصولات در ریائی هیچگونه برنامه ریزی ای بعمل نیامده و آموزش کشاورزی مکنی نبود. حتی سایر وزارتخانه ها در سیاستهای اجرائی خود برای این امر اولویتی قائل نیستند. نماینده هاراک در ادامه سخنانش چنین گفت: "طبیعی است وقتی حدود ۵۰ درصد جمعیت مملکت در روستا باشد و ۲۷ درصد شاغلین در امر کشاورزی، ولی ۱۴ درصد درآمد ناخالص مربوط به بخش کشاورزی باشد، تازه خرج این درآمد در روستا میسر نیست و تازه مانده نیروی کشاورزی جذب بازار صنعت شود، و تا وقتی تحقیقات کشاورزی نمتنهادند و سازمان، که معنای آن در و تا زمانیکه همچنان تکیه بر واردات کالاهای اساسی میشود که ظرف چند سال گذشته از ۲ میلیون تن به ۱۰ میلیون تن رسید است، این رشته سردراز خواهد داشت و ما خود را فریب دادیم."

به علت سیاستهای ضد مردمی و عدم کارآئی رژیم مشکلات کشاورزی روز بروز افزونتر و لا ینحل تر گردید و رژیم بنا بر ماهیت خود قادر نیست بر این مشکلات غلبه نماید. بانگهی برآملر سالهایه، مقدار واردات محصولات کشاورزی منتشره از جانب رژیم، به وخیم بودن سیاستهای رژیم را مرنابودی و وابسته کردن هر چه بیشتر کشاورزی بی مفهوم برای نشان دادن این امر تنه ا به نمونه واردات کند و مطلقه از قول اسحاق جهانگیر نماینده جبهت در مجلس اسلامی اکتفا می کنیم که میگوید: "واردات کند در سال ۵۶، ۵۶۶ میلیون و ۹۷۰ هزار تن بود که در سال ۵۷، ۶۷۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تن رسیده و واردات علوفه ۹۲ هزار تن بود که به ۲۲۰۰ هزار تن رسید."

(اطلاعات ۸ خرداد ماه ۱۳۶۴)

سفر رفسنجانی به لیبی

هاشمی رفسنجانی بدعوت معمر قذافی در تاریخ ۳۰ خرداد ۶۴، در راس هیئت بلند پای برای دیداری رسمی وارد کشور لیبی شد. در این سفر ولایتی، محسن رفیق دست و دست و عهد های از اعضای هیئت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی وی را همراهی کردند. هدف از این سفر گفتگو در باره تحولات منطقه، اوضاع لبنان و جنگ ایران و عراق و اتخاذ مواضع مشترک در قبال این مسائل بود.

در همین رابطه معبد السلام جلوس، سفر رفسنجانی به لیبی را گامی بلند در جهت

تحکیم روابط بین دو کشور خوانند. در اولین روز مذاکرات رسمی بین رفسنجانی و قذافی که در روز ۳۱ خرداد ۶۴ انجام گرفت، سرهنگ قذافی با اشاره به جنگ ایران و عراق بار دیگر حمایت خود را از رژیم ایران اعلام نمود و گفت: "این جنگ بین نیروهای "انقلاب" و نیروهای "ارتجاع" هست و لیبی بر علیه صدام و مرتجعین منطقه در کنار رژیم ایران است." همچنین رفسنجانی ملاقات و مذاکراتی نیز با سرگرد جلود انجام داد. سرگرد جلود با تاکید بر اینکه لیبی و ایران در تمام موضوعات توافق نظر کامل دارند گفت: با اتحاد و اتفاق لیبی و ایران تمام موطئه ها را در لبنان خنثی خواهند ساخت و نخواهند گذاشت اشخاصی نظیر اسر عرفات و صدام وحسنی مبارک بتوانند آرمان فلسطین را پایمال کنند. رفسنجانی نیز ضمن قدردانی از مواضع "انقلابی" لیبی بر هم بستگی و توسعه و تعمیق روابط دو کشور تاکید کرد و از کمکهای کشور لیبی به رژیم جمهوری اسلامی تشکر نمود. در پایان دیدار چهار روزه رفسنجانی از لیبی بیانه مشترکی بین دو کشور منتشر گردید. در قسمتی از بیانه آمده است: "لیبی با قدرت در کنار جمهوری اسلامی در راه رویارویی با جنگ علیه عراق ایستاد است. همچنین دو کشور با تشکیل یک کمیته مشترک سیاسی - نظامی به ریاست وزرای خارجه دو کشور موافقت کردند. هاشمی رفسنجانی پس از این سفر بنا به دعوت حافظ اسد اعزام شد"



بقیه: ایران، در ماهی که...

در این مذاکرات نکته‌های از هر چیز قابل توجه است. اولین نکته حمایت شدید و آشکارایی از ایران در جنگ ایران و عراق است. در این باره باید گفت رژیم جمهوری اسلامی بد نیال تشدید جنگ و گسترش آن به بیچارگان شهرها، عملاً در موضع ضعف‌تری نسبت به عراق قرار گرفته، و با کمبود اسلحه و مهمات مواجه گشته است. در نتیجه یکی از اهداف این سفر تیمی به تجهیزات جنگی، اسلحه، مهمات و موشک‌های در برورد می‌باشد و اشاره رفسنجانی به کمک‌های لیبی، در حقیقت تحویل سلاح از طرف آن کشور به رژیم خمینی می‌تواند باشد. نکته دوم موضع‌گیری‌های مشترک و حملات اخیر این دو کشور بر علیه سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری یاسر عرفات می‌باشد. البته نباید از نظر برداشت که بد نیال شکست توطئه اخیر جنبش امل، سوریه و ایران در خلع سلاح کردن نیروهای طرفدار سازمان آزادی‌بخش فلسطین و قتل عام فلسطینی‌های بن‌گناه، اینبار و کشور ایران طی بی‌احمله کردن به رهبری سازمان آزادی‌بخش بار دیگر شمنی خویش را با مبارزات حق طلبانه مردم فلسطین عیان‌تر نمود.

وضع وخیم آوارگان جنگی

یکی از عواقب جنگ ایران و عراق وضع اسفناک آوارگان جنگی است. در ردیبل قسمتهایی از سخنان در متن از نمایندگان رژیم در این مورد آورد می‌شود:

یونس محمدی نمایند خرمشهر و شادگان در جلسه ۲ خرداد ۶۴ اعتراف نمود که مسئولین بنیاد جنگ زدگان و سایر ارگان‌های زیربط کوچکتر... اهمیت برای حل مشکلات آوارگان جنگی قائل نیستند و از شروع جنگ ایران

و عراق تا کنون بزرگترین مشکل آنان که مسئله مسکن و اشتغال می‌باشد، لایحل باقی مانده است. در این رابطه بنیاد امور مهاجرین علاوه بر عدد پرسیدگی به ایمن مشکلات، از سال ۶۳ تا کنون به بمبانه‌های گوناگون مستمری اکثریت آنان را نیز قطع کرد.

کیاوش نمایند تهران نیز در جلسه روز ۱۴ خرداد ۶۴ مجلس گفت، علی‌رغم اختصاص بودجه برای بنیاد مهاجرین جهت رسیدگی به مشکلات جنگ زدگان، رژیم در طی این مدت اقدامی در باره حل مشکلات مهاجرین انجام نداده است.

برطرف شدن مانع در روابط ایران و شوروی

هاشی رفسنجانی در بخشی از مصاحبه‌اش باشبکه تلویزیونی آن، اچ و کی ژاپن در تاریخ ۲۶ خرداد ماه در باره بهبود روابط ایران و شوروی می‌گوید: بطور کلی ما میل نیستیم که روابطمان با دولت اتحاد جماهیر شوروی تیره باشد... شورویها در ایران کارهایی نظیر نیروگاه و کارخانه‌های مهم دارند که مشغولند همچنین ما طرق مواصلاتی در اینها این کشور مواد تجارتی و فنسی زیاد می‌توانیم داشته باشیم. ما میل نیستیم که روابطمان تیره باشد. وی یکی از مشکلاتی که مانع بهبود روابط ایران با شوروی شده بود را مسئله حزب توده قلمداد نمود و بیان کرد که: ما توانسته‌ایم این مشکل را با شوروی حل کنیم، آنها هم پذیرفتند که این امر مسأله داخلی ماست. رفسنجانی هم چنین مدعی شد: در مورد افغانستان و عراق (به علت تحویل اسلحه از جانب شوروی به عراق) مسئله اریم (باشوروی) و لیبی اینها مانع نیست که ما تلاش کنیم که کم روابطمان را بهتر کنیم، در این چند ماه اخیر پیشرفت‌های خوبی هم داشته‌ایم. اکنون

همه اریم ادامه می‌دهیم برای اینکه نگری بین دولت در مرزهایشان نباشد و ماه‌های مسالمت آمیزی با شوروی داشته باشیم.

حراج نفت!

شیخ احمد زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی در کنفرانس طائف به کشورهای تولیدکننده نفت اویک هشدار داد و گفت با ادامه تولید بیش از سطح سهمیه رسمی و تخفیف‌های غیرقانونی در قیمت‌ها، بهای جهانی نفت ممکن است در آینده نزدیک به کمتر از ۲۰ دلار برای هر بشکه سقوط کند. انتقاد زکی یمانی به کشورهای مانند ایران می‌باشد که بر طبق گزارشات خارجی، رژیم اسلامی با تخفیف ۴ دلار در هر بشکه، نفت خود را بفروش می‌رساند. اموریبن‌المللی وزارت نفت رژیم جمهوری اسلامی گزارشات فوق را شایعه و توطئه کشورهای صنعتی غرب دانست و اعلام کرد که ایران نفت صادراتی خود را در حد و قیمت‌های بازار جهانی می‌فروشد و تنها در ارتباط با بیمه جنگی و هزینه اضافی حمل و نقل به مشتریان خود تخفیف می‌دهد. میدانیم رژیم برای ادامه جنگ و کمبود شدید ذخائر ارزی ناچار است به استخراج بیشتر نفت و حراج آن دست بزند. با در نظر گرفتن واقعیات موجود، مسئولین امر ناگزیر به اعتراف در دادن تخفیف به مشتریان خود تحت لوای کاهش بیمه جنگی و هزینه اضافی حمل و نقل می‌گردند. قابل توجه است که قیمت فعلی نفت تعیین شده از طرف اویک بشکه‌ای ۲۷ الی ۲۹ دلار است. اما این تخفیف‌های غیرقانونی باعث اختلاف نظر شدیدی میان اعضای سازمان اویک که بزودی بیست و پنجمین سالگرد تاسیس خود را جشن می‌گیرد، شده است.

بقیه از صفحه ۳

خشت اول چون نهد معماری کج ...

کشاورزی با ۳ حالت ضرور میشود .

حالت اول اینست که دولت مجبور است برای تشویق کشاورزی - کشاورزان که مالک زمینهای مرغوب و با زمینهای با هزینه کشت ناچیز میباشد - بهاد امتولید محصولات نرخ دارا محتاج زندگی کشاورزان از خارج با قیمت دلاری ۷۵ ریال وارد نمود و آنها را با قیمت ارزان در اختیار وی قرار دهد. البته اتخاذ چنین روشی برای دولت مقصدور نیست زیرا دولت متحمل هزینه های زیادی میشود و همچنین باید در نظر گرفتن کل زمینهای قابل کشت در ایران که کمتر از ۲۰ میلیون هکتار میباشد و مسلماً زمینهای مرغوب چند درصدی از آنها شامل میشوند. در چنین شرایطی زمینهای درجه دوم و سوم کمربند باقی میمانند زیرا قیمت فروش محصول آن به نرخ دولتی هزینه های جاری کشاورزان جوابگو نمیشود .

حالت دوم اینست که کشاورزان به کاشتن محصولات مانده اند و آنکه قیمت آن از طریق دولت تعیین نشد است، میپردازند زیرا نرخ چنین محصولاتی بر مبنای هزینه های کشت و میزان عرضه و تقاضا تعیین میگردد. البته این امر برای کشاورزان خالی از اشکال نیست زیرا با مخالفت و عکس العمل شدید دولت روبرو میشوند .

و بالاخره با توجه به این واقعیات تلخ ، متوجه میشویم که راه دیگری برای کشاورز باقی نمیماند جز اینکه برای کسب زندگی بهتر ، زمین خود را رها نموده و در وانه شهرها شود. در شهرها میتواند بعنوان کارگر ساده ای روزانه مبلغ ۲۰۰۰ ریال بدست آورد و هنگامیکه در نظر بگیریم تمام احتیاجات وی بوسیله فقرچشمی کهن آن وقت با قیمت دلاری ۷۵ ریال فراهم میشود ، سطح زندگی وی رونق پیدا میکند. با حساب کردن درآمد او به دلاری ۷۵ ریال میبینیم که درآمد وی

روزانه به حد ۳۰۰ دلار میرسد و بدین ترتیب سطح زندگی فعلی وی با سطح زندگی گیش در دهات قابل مقایسه نیست . زیرا در دهات حد اکثر زمین کشاورزان ۶۵۱ هکتار است. اگر فرض کنیم زمین او پیش از اندازها حاصلخیز بود و وحد اکثر از هر هکتار زمین حد ۳ تن گندم برداشت نماید، و اگر تمام زمین خود را به زیر کشت ببرد، کل محصول سالانه او از ۱۲ تن تجاوز نمیکند و چون آنرا با قیمت رسمی دولت یعنی کیلویی ۴۰۰ ریال میفروشد، روزانه مبلغی در حدود ۱۳۰۰ ریال درآمد دارد. البته نباید فراموش کنیم که کشاورز احتیاجات خود را با قیمت آزاد (هر دلار ۵۷۰ ریال) میخرد. با این حساب سرانگشتی اگر درآمد وی را به نرخ آزاد تقسیم کنیم، درآمد روزانه او مبلغی معادل ۲/۵ دلار میشود. با توجه به نکات فوق در لیسل هجوم جمعیت از دهات به شهرها را بیشتر درک مینمائیم .

هجوم پیش از انداز جمعیت از دهات به شهرها همراه با رشد جمعیت که هر سال حدود ۴ درصد بر میزان آن افزوده میشود، مسئله ای قابل توجه است. با توجه به درصد رشد سالانه ، جمعیت چهل میلیون ایران تا بیست سال دیگر به ۸۰ میلیون نفر خواهد رسید. شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران ، به علت دارا بودن امکانات مالی بیشتر و افزایش جمعیت با رشد زیاد جمعیت روبرو هستند برای مثال شهر تهران با جمعیت ۴ میلیون خود در سال ۱۳۵۷ ، در سال ۱۳۶۲ به ۸ میلیون نفر شد و این روند جمعیت تهران هر ۵ سال دوبرابر میشود. یعنی در سال ۱۳۶۲ جمعیت تهران بالغ بر ۱۶ میلیون نفر خواهد شد. با در نظر گرفتن جمعیت کل کشور در این سال که در حدود ۵۰ میلیون نفر خواهد بود، باید حساب سرانگشتی معلوم میشود که حدود ۳۲ درصد جمعیت کل کشور ساکن پایتخت هستند. در پایان ، نویسنده

مقاله برای حل مشکلات اقتصادی واجتماعی که در آنها آن روبروست ، ضمن پیشنهاد آزاد گذاشتن خرید و فروش ارز به چگونگی انجام اینکار و مشکلاتی که با پیاده کردن آن بوجود خواهد آمد ، مبرر از برای جلوگیری از وقوع مشکلاتی که در اثر آزاد گذاشتن نرخ ارزی دیدنی آید ، انجام اقداماتی را توصیه مینماید .

نویسنده در رقتی دیگر از مقاله خویش میگوید: شاید بعضی از افراد که تمسایل شدیدی به دولتی شدن اقتصاد و مالکیت دولتی دارند بدشان نمایند که با اجرای چنین عمل عجولانه ای (آزاد شدن خرید و فروش ارز) ایجاد یک بهم ریختگی شدیدی در اقتصاد کرد و سپس با مطرح نمودن آن مرد پر از اجرای اقتصاد اسلامی بترسانند. با توجه به موضوع گریه های جناحهای داخلی رژیم ، بی مبرم که مقصود نویسنده طرفداران "خط امام" است که خواهان دولتی کردن بازرگانی خارجی میباشد . میدانیم در رون حاکمیت در مقابل این جناح ، نظر کسانی قرار دارد که طرفدار اجرای اقتصاد اسلامی در بخش خصوصی میباشد. در رقتی دیگر از مقاله نویسنده در مورد نظام اقتصادی نظر میدهد که هر دولت باید یک نظام سیستم خاص اقتصاد را انتخاب نماید که میتواند این سیستم با سرمایه داری ، یا سوسیالیستی و یا اسلامی (!) باشد. دولت از یکا بردن قوانین یک سیستم در سیستم دیگر خود داری کند . در اینجا نویسنده مقاله بار دیگر از جناح رقیب که سیاستهای وی در حاکمیت غالب است ، انتقاد مینماید. در خالیکه نویسنده مقاله برای رهایی و نجات رژیم از گرداب مشکلات ، با دلسوزی تمام پیشنهادات فراوانی را ارائه میدهد ، با توجه به ماهیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی اگر برای حل مشکلات اقتصادی واجتماعی از بهترین

بقیه از صفحه ۸

رابطه حزب توده و راه کارگر

است و در سرکوبهای مردم شرکت نمود و با رژیم همکاری کرد. . . . در همان جلسه نیز به اقلیتی ها گفتیم که باید با این نیروی پر خور و ریشه ای کرد. به آنان گفتیم مگر اکثریت از درون شما بیرون نیامد، پس باید علل این عمل توضیح داد و شود و گرنه با این یک اعلامیه ضد انقلابی خواندن حزب توده هیچ چیزی درست نمیشود. اما علت امضا نکردن این اعلامیه اینست که ما در این موقعیت و مرحله حزب توده مراد از انقلابی نمیدانیم ولی با آمدن آنان به سبب مخالفت هستیم. پس از سخنان ایشان یکی دیگر از هواداران اقلیت گفتند: حزب توده و اکثریتی ها و . . . در سرکوب مردم به طور فعال شرکت داشته و با رژیم همکاری کرد و اند آنان نمیتوانند با این شعار سرنگونی خباثنهای خود را توجیه نمایند. و بانگاکردن به برنامهمغلی آنان نیز می بینیم که حتی این برنامه شان نیز ضد انقلابی است و تنها آنان در حرف خواهان سرنگونی رژیم هستند. حزب توده در رجای معتمدی منفور است و دستش برای همگان روشن شده که بسیاری از برنامه ها و کارهایش را از طریق و کانال راه کارگر انجام میدهد و راه کارگر عامل، عامل ضد انقلاب شد. به همین دلیل وقتی ما به حزب توده حمله میکنیم آنان ناراحت میشوند. راه کارگر همانند حزب توده و اکثریت نه خواهان انقلاب بلکه خواهان رفرم است.

پس از این سخنان، هوادار سابق بیکار صحبت نمود و گفتند: "تما بحث امروز با بیان این حرف راه کارگر که میگوید حزب توده مراد از این مرحله ضد انقلابی نمیداند مشخص شد. هم اکنون مواضع راه کارگر هیچ فرقی با مواضع حزب توده ندارد. راه کارگر در تمام حرفهایش در رابطه با حزب توده از ماضی بعید استفاد میکند

مثلا میگوید حزب توده مخائن بود، هست، و یاد سرکوبها شرکت کرد. . . . بدون آنکه آن گذشته را با حال این نیرو ارتباط دهد. مایک سوال مشخص از راه کارگر در اینم بود و آن اینست که نظرشان در رابطه با حزب توده در لحظه کنونی چیست؟ - بدون آنکه به بحث آیند ه این نیرو و با چگونه ماهیت حزب توده و وارد شهرت راه کارگر بیان میکند باید با حزب توده برخورد ریشه ای نمود، اما وقتی از آنان می پرسیم نظرشان در رابطه با این نیرو چیست میگوید ضد انقلابی کسه نیست، شاید بینا بینی باشد و . . . عجب برخورد ریشه ای! اما نکته دیگر اینکه اگر راه کارگر حزب توده مراد از انقلابی نمیداند پس چرا این نیرو در سبب حضورند اشتباه شده

مگر وظیفه کمونیستها اتفاقا این نیست که یک نیروی بینا بینی را به طرف خود جذب کرد و از نتایج انقلابی آن نهایت درجه استفاد فرمایند. راه کارگر که چنین پتانسیلی را در حزب توده می بیند پس چرا خواستار جلوگیری از آمدن توده ای ها به سبب میشود؟ که یکی از هواداران راه کارگر گفت: این به خود مان مربوط است و خود مان میدانیم که کی و چگونه اعلامیه میدهم. هوادار سابق بیکار گفت: من هم از خود شما نظرستان را پرسیدم. چرا اعلامیه نمیدید و موضع گیری صریح و مشخص خود را در این مورد علنا بیان نمیکنید؟ این بحث در حدود یک ربع به ساعت ۳ به پایان رسید □

بقیه از صفحه ۱۲

خشت اول چون نهید . . .

راه حلها استفاد میشود، اما نکته دیگر نیست که بتوان از این راه حلها در جهت منافع مردم استفاد کرد و اقتصاد کشور را شکوفان نمود. سوالی که مطرح میشود اینست که چرا طرفداران نهضت آزادی و حجتیه با وجود اینکه از جناح رقیب ضربات فراوانی را متحمل شده و در طی ۶ سال گذشته اکثر اهرمهای قدرت را از دست دادند - هنوز به همکاری با رژیم ادامه میدهند؟ ضرب المثلی است معروف که میگوید:

خشت اول چون نهید معمار کج

تا شریا میروید دیوار کج
از آفتای نوروزی و سایر طرفداران نهضت آزادی "و حجتیه باید پرسید که چه چه دلیل از رژیم قطع امید نمیکند و امیدوارند دیواری که را بتدایا به آن کج گذاشته شد است را بعد از ۶ سال بتوانند راست نمایند؟ آیا جز اینست که آنان در رنهادهای آن خشت اول

همکاری داشته و در جنایات رژیم سهیم میباشند و چون منافعشان در رگروا امه حیات رژیم است کوشش میکنند با ارائه راه حلها به رژیم از این بست مشکلات رهائی بخشند.

با توجه به نکات گفته شد در مقاله بار دیگر ثابت میشود رژیم خمینی تحت هیچ عنوان نمیتواند مشکلات اقتصادی و اجتماعی را که با آن دست به گریبان است، حل نماید. و تنها به علت درآمد حاصله از فروش نفت و اتکای کامل خود به این منبع است که میتواند اقتصاد خود را چند صباحی بیشتر از نا بودی کامل نجات دهد و نمونهها و آمار و لایل آورد شد در مقاله روشن مینماید که تبلیغات رژیم در زمینههای "خود کفائی در امر کشاورزی" "تلاش برای توسعه اقتصاد" "گسترش صادرات مواد غیر نفتی" و . . . شعارهایی توخالی بیش نیستند □

نیلوفر مولوی

نگاهی بر

مطبوعات و اعلامیه‌های خارج از کشور

درگیری بسود دشمن اصلی، رژیم خمینی است.

شورای ملی مقاومت در باره درگیریهای بین حزب دمکرات کردستان ایران و کومله اطلاعاتی در تاریخ ۷ خرداد ۶۴ منتشر نمود. در این اطلاعیه شورای ملی مقاومت بدرستی اذعان نموده که این درگیریها به سود دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم خمینی میباشد. در قسمتی از اطلاعیه آمده است:

"چنین است که درگیریهای خونین گروهی در کردستان از یکسو تاثر عمیق و دلسردی مردم مزحمتکش کرد و از سوی دیگر شادی دشمن اصلی تمام مردم ایران - یعنی دیکتاتوری ارتجاعی خمینی که دقیقاً خواستار چنین درگیریهایی است - را برانگیخته است."

لازمه بارآوری است با اینکه شورای ملی مقاومت رژیم خمینی را دشمن اصلی مردم به حساب میآورد، اما در عمل در بسیاری از موارد این شعار اساسی را نادیده میگیرد. برای نمونه سازمان مجاهدین متاسفانه جز طرفداران خود اکثر نیروهای اپوزیسیون را "ضد انقلاب" قلمداد نموده و به شدیدترین وجهی آنان را بهاد حمله میگیرد.

آیا ضد انقلاب شمردن اکثر نیروهای اپوزیسیون موجب تشدید تضادهای

فرعی نمیگردد؟ امید است شورای ملی مقاومت با توجه کافی به این امر مهم، در راه حل و رفع آن کوشش نماید.

آزادی طرفداران حزب دمکرات از زندانهای کومله

اخیرا نمایندگی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومله طوسی اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۵ اردیبهشت تا ۴ خرداد ۶۴، آزادی ۸ تن از طرفداران حزب دمکرات کردستان که در درگیریهای اخیر بین دو نیروی عمده در کردستان دستگیر شده بودند را اعلام نمود. در قسمتهایی از این اطلاعیه آمده است: "بنای سیاست انقلابی کومله در برخورد به اسرای جنگی هشت تن دیگر از افراد مسلح حزب دمکرات که در جریان درگیریهای اخیر جنوب کردستان به اسارت پیشمرگان درآمد بودند، صبح ۱۱ خرداد آزاد گردیدند. در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه نیز یکی دیگر از افراد مسلح حزب دمکرات بنام اسماعیل احمدزاده که در جریان یک درگیری در روستای از توابع بوکان به اسارت پیشمرگان کومله درآمد بود، از زندان آزاد شد. از مجموع افراد مسلح حزب دمکرات که در جریان درگیریهای واقع میان طرفین در نواحی مختلف کردستان به اسارت پیشمرگان

کومله درآمد هاند، تاکنون ۲ نفرشان آزاد گشته‌اند." در شرایطی که متأسفانه جنگ برادر-کشی بین حزب دمکرات کردستان و کومله بعنوان دو نیروی عمده در کردستان تا سب و تالم کلیه آزاد بخواهان ایران را فراهم آورده و تنهادهای دشمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی را خشنود نموده است، آزادی ۸ تن از طرفداران حزب دمکرات کردستان از جانب کومله اقدامی است به ارزش و درخور تحسین! امید است هر دو نیروی رزمنده با انتخاب سیاستهای واقع بینانه و با توجه به این امر حیاتی و مهم که رژیم جمهوری اسلامی دشمن اصلی مردم ایران میباشد، به درگیریهایی که تنهادهای دشمن از آن بهره میجوید خاتمه داد و افراد رگبیه مناطق اعلام آتش بس نمایند.

حمله به چریکهای اقلیت!

هواداران سازمان چریکهای فدایی (اقلیت) در امارات در تاریخ ۹/۵/۸۵ در رابطه با درگیریهای اخیر چند تن از هواداران خود با تعدادی از افراد توده‌ای و اکثریتی اعلامیه‌ای منتشر نمود هاند و در آن با اشاره به خلاصی درگیریهای فوق بمعرفی عوامل و عناصری پرداخته‌اند که در رتجا و زو حمله به خانه مسکونی هواداران چریکهای اقلیت نقش داشته‌اند. مسلماً چنین بقیه در صفحه مقابل

بقیه: نگاهی بر مطبوعات و . . .

شیوه‌های از نظر کلیه نیروها و افراد آزاد بخواه
ود مکررات محکوم است. مدت‌هاست که عوامل
مشکوکی به سبک و شیوه مرسوم "حزب الله"
در خارج از کشور و در بین گروه‌های مختلف
اپوزیسیون از طرق گوناگون با توسل به
روش‌های تطمیع و تهدید به از بیت و آزار و
تعقیب نیروهای جدی و مبارز پرداخته و در
مواردی نیز با حمله فلفلی گریانه ضرب و شتم
و مجروح کردن نشان می‌پردازند. تا از این
طریق طرف مورد نظر را مرعوب و مطمیع
نمایند و یا در صورت عدم سازش و مقاومت،

وضعی بوجود می‌آورند که آنان را به سکوت و
انفعال بکشانند و مانع فعالیت نیروهای
مبارز و آزاد بخواهی گردند، که خطر جدی
برای رژیم محسوب میشوند.
حال با در نظر داشتن چنین شیوه ضد
د مکرراتیک و فاشیستی که عوامل پنهان و
آشکار رژیم در آن متوسل می‌گردند، متأسفانه
باید گفت برخورد هائی از نوع تجاوز و تهاجم
عناصر تودهای - اکثریتی به هواداران چریکها
اقلیت مسلما جز در خد مت اهداف رژیم
جمهوری اسلامی نخواهد بود. در نسیل
متن اطلاعیه فوق در این رابطه آورده می‌شود:

ساعت ۹/۵ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۷ مه ۸۵ به دنبال یک مجازده بین یکی از هواداران
سجفخا در دانمارک و یکی از اکثریتی‌های خاشن در اتوبوس و درگیری مختصری بین دو نفر مذکور
ساعت ۱۰ همان شب تعدادی متجاوز از زاده نفر از عوامل توده‌ای و اکثریتی مسلح به کاره‌چاقو،
زنجیر از دو طرف به منزل مسکونی یکی از هواداران در شهر سیله کیورک حمله کرده و با شکستن شیشه
های درب ورودی به داخل ساختمان رفته و با قاشی و بیان رکیک ترین الفاظ به همسر و فرزندان
و میهمانان او شروع به ضرب و جرح نموده و با ایجاد رعب و وحشت در میان افراد خانواده رفیق
هوادار آغاز یک درگیری دامنه دار را اعلام نمودند.

افرادیکه چندی پیش در داخل ایران به نام حزب الله و در صفوف حزب الله دست به
چنین اعمالی می‌زدند اکنون در دانمارک همان رسالت را برای خود قائل شده‌اند. به محض
شنیدن صدای شکستن شیشه‌ها و عربده کشی توده‌ایها و اکثریتی‌ها همسایه‌های دانمارکی از
خانه‌ها بیرون خارج شده و بعضی از آنها تلفنی ماجرا را به پلیس اطلاع دادند. اما مهاجمین
با رسیدن پلیس متواری شدند و پلیس با بقایای آنچه که اتفاق افتاده بود روبرو گردید و
اقدام به تحقیق در مورد حادثه نمود.

حرکت‌های او با شان اکثریتی به نام‌های جمشید، تورج، عباس و سایر خاشنین به خلق
در حقیقت ادامه سیاست شبه کارانه و فدا نقلایی حزب توده و اکثریتی‌های خاشن می‌باشد که در
ضدیت با نیروهای انقلابی و در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی طی چند سال گذشته صورت گرفته
است. شرارتها شیکه بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی تا به امروز توسط مزدوران
رژیم و عناصر توده‌ای - اکثریتی بر علیه مبارزات نیروهای انقلابی و توده‌های مردم بکار
گرفته شده است.

روز ۲۸ مه ۸۵ ساعت ۱۱/۵ صبح مجدداً همان افراد به همراه عده دیگری از خاشنین
توده‌ای - اکثریتی در ایستگاه اتوبوس در مرکز شهر به سه نفر از هواداران سازمان با کارد و
چاقو و . . . حمله نمودند که در نتیجه در ضمن درگیری میان آنها و دفاع رفا از خودشان دو تن
از رفقای هوادار توسط پلیس دستگیر شدند.

واقع بینی حزب د مکررات در مسرود

چگونگی آغاز جنگ ایران و عراق

کردستان شماره ۱۰۳ اسفند ۶۳ با واقع بینی
بمهر رس چگونگی آغاز جنگ می‌پردازد. در
قسمتهائی از مقاله آمد ما است:
" . . . ما هه‌ا پیش از هجوم سربازان عراقی
بداخل ایران، سران جمهوری اسلامی
مقدمات این جنگ را فراهم کرد بودند.
طرح شعار عجیب صد و انقلاب از طریق
نظامی و اعمال تحریک آمیزی که در مناطق

در شرایطی که پس از قریب به ۵ سال
جنگ، هنوز بسیاری از سازمانها، گروهها
و افراد در درون اپوزیسیون قادر به تشخیص
طل اصلی بوجود آمدن جنگ ایران و عراق
نیستند و موضع گیری‌های بنیادین انحرافی
در مورد جنگ ایران و عراق اتخاذ میکنند،
حزب د مکررات کردستان ایران در مقاله‌های
تحت عنوان " رژیم خمینی و و راهی جنگ "

مرزی علیه‌ها بیگاه‌های عراقی صورت میداد،
همگی در راستای با جرات در آوردن افکار
توسعه طلبانه‌های بود که چون خورمبجان
خمینی افتاد میبود . . . سرکشی سازمانهای
سیاسی مخالف رژیم یکی از هده فهای بود
که شروع جنگ ایران و عراق شرایط مساعد
را برای آن فراهم میکرد . . . و نگه داشتن
ارتش از نهایت سخت و سایر مراکز بزرگ شهری
یکی دیگر از هده فهای بود که خمینی و دارو
دست‌های برای نیل بآن در نیال بهانه‌موجه
نمایش میگشتند. تعرض نیروهای عراقی
این فرصت را برایشان فراهم کرد. آنها با
اعزام ارتش به جیب‌ها و سرگرساختن آن در
جنگ با عراق هم خطر کرد تایی را از جانب
ارتش خشی نمودند و هه‌ا درگیر ساختن
نیروهای ارتش در جنگ با عراق تا آنجا که
توانستند در تضعیف آن کوشیدند
روزی که سربازان عراقی از مرزین الطلیحان
ایران و عراق گذشتند و خشکسائی از کشور ما
را در رخوزستان و کردستان به اشغال خود
در آوردند، آخوند‌های حاکم و در اس
آنها خمینی از شادی در ریوست نمی‌گنجیدند
زیرا مسئله‌های که مدت‌ها بود انتظارش را
میکشیدند به حقیقت پیوسته بود. بی‌جهت
نیست که خمینی چند روز پس از این واقعه
جنگ را موهبتی آسمانی قلمداد نمود
کارگزاران و مبلغین جمهوری اسلامی چهره
واقعی رژیم را در پس پرده ضخیمی از زیاکاری
و شعارهای مطمئن پوشاند میبودند و هنوز
بسیاری از سازمانهای سیاسی در مسرود
ماهیت رژیم‌نویات در رونی خمینی و اطرافیان
وی در توهم سرمی‌پردازند. از این رو . . . نه
فقط پیروان شعصب آخوند‌ها بلکه اکثریت
قریب با اتفاق اعضا و هواداران سازمانهای
مبارز و انقلابی نیز راهی جیب‌ها شدند .
در واقع " دفاع از میهن " بصورت مسابقه‌ای
در آمد میبود که همگان از ترس عقب ماندن از
بقیه در صفحه ۱۶

بقیه: نگاهی بر مطبوعات و . . .

د یگران باستانی باور نکردنی د رآن شرکت می جستند و برای رسیدن به جبهه‌ها سر و دست میشکستند.

"رژیم حاکم ایران د شمن اصلی همه مرد مایران است"

نشریه "میرد خلق" ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) د شماره ۱۱ خود به تاساریخ ارد بیست و شش ۶۴، د مقاله‌های تحت عنوان د رگیریهای حزب د مکررات کردستان و کومله و طرح يك پیشنهاد به ذکرتکتهای پرداخته که حائز اهمیت میباشد. د ر قسمتی از این مقاله‌ها اشاره د رگیریهای کومله و حزب د مکررات و محکوم نمودن آن، آمده است: "ما معتقدیم که د شمن اصلی و عمد د مرد مسراسرایران د ر شرایط کنونی رژیم حاکم ایران و تمام ارگانهای سرکوب آن و تمام دستمندیهای د رونی آن است." د ر بخش دیگر مقاله برای قطع د رگیریهای امضای توافقنامه‌های را بر اساس پیشنهادها زبرد رخواست نمود هاست:

۱- رژیم حاکم ایران د شمن اصلی همه مردم ایران و نیروهای انقلابی و ترقیخواه است و از این جهت تمام تفنگها باید مطلقاً بسمت آن نشان رود.

۲- اختلافات د رونی و نیروهای سیاسی که يك امر بدیهی است باید از طریق مسالمت آمیز حل شود. هر نیروی باید به الزامات این مبارزه مسالمت آمیز تن د هد.

۳- الزامات این مبارزه مسالمت آمیز توسط امضا کنندگان همین سند بنحوی که حقوق د مکرراتیک هیچیک از نیروها پایمال نشود تعیین شود و تخلف هر نیروی از آن بوسیله کمیته‌های منتخب امضا کنندگان همین سند تعیین شود.

د اینجا باید خاطر نشان ساخت سازمان چریکهای فدائی خلق پیرو برنامه (هویت) از معدود گروهها و سازمانهایی است که بصراحت از رژیم خمینی به عنوان د شمن اصلی نامبرد و بد رستی بی بیان نمود هاست: "تمام تفنگها باید مطلقاً بسمت آن نشان رود." این موضعگیری صحیح موجب سرت و خوشحالی آزاد یخواهان ایران است و امید داریم که د یگر نیروهای آزاد یخواه، مترقی و ملی نیز بر ضرورت اعلام موضعگیری روشن د ر قبال د شمن اصلی مردم ایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی بی برده و رد عمل با اجرای سیاستهای صحیح هر چه بیشتر به مبارزات آزاد یخواهانه و حق طلبانه مردم ایران یاری رسانند.

موضع انحرافی "جبهه نجات"

د ر جنگ ایران و عراق

د روز ۱۴ ژوئن به دعوت "سایان جوانان و دانشجویان ملی ایران" وابسته "جبهه نجات ایران" گرد همائی مقابل سازمان جهانی یونسکو د اعتراض به ا دامه جنگ ایران و عراق برگزار گردید.

د ر رابطه با قطعنامه صادر شد د رایین گرد همائی نکاتی چند لازم به تذکر است: د ر قطعنامه آمد هاست "ما جنگ بی سرانجام میان ایران و عراق ر نتیجه لجبازیها و دشمنیهای خصوصی صدام حسین و خمینی میدانیم. . ."

د ر حالیکه جنگی با چنین ابعاد و وسعتی نمیتواند نتیجه لجبازیهای شخص باشد. بلکه سبب و محرک اصلی این جنگ رژیم جمهوری اسلامی بود هاست و د ر واقع این جنگ ا دامه سیاست صد و تروریسم و د خالت د ر امور کشورهای منطقه از طرف رژیم ایران میباشد و ا دامه د هند آن نیز د ر این مرحله رژیم ایران است. د ر قسمتی

د یگرا ز قطعنامه آمد هاست:

"ما د فاع قهرمانان د ارتش و نیروهای مسلح و ملت ایران را از خاک خود تحسین میکنیم و انگیزه‌های د فاع قهرمانان د احس وطن- د دوستی و ناسیونالیسم ایرانی میدانیم." د ر حالیکه هر روز مردم بیشتر به ماهیت ارتجاعی جنگ بی برده و از حضور د ر جبهه‌ها جنگ سرپا ز میزنند، این آقایان د ر خارج از کشور از "د فاع قهرمانان د ارتش و نیروهای مسلح و ملت ایران" صحبت مینمایند. جنگ یکی از ارکان اصلی د د ام رژیم جمهوری اسلامی است. تبلیغ و تشویق برای شرکت د ر جنگ تبلیغ برای رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد، مینماید پرسد واقعی کسی است که اسلحه خود را به سوی رژیم جمهوری اسلامی یعنی عامل تمام بد بختیهای مردم ایران، نشانه گیری نماید، نه اینکه با تحسین و تشویق سرپا زان و پاسداران ایرانی د ر جنگ باعث تحکیم پایه‌های حکومت فاشیستی - مذهبی خمینی گردد.

د ر قطعنامه همچنین آمد هاست: "ما صلح شرافتمندانه را، قبول قرار داد ۱۹۷۵- الجزایر و پرداخت غرامت جنگ به ملت ایران میدانیم."

سوالی که مطرح میشود این است که آیا با وجود چنین رژیمی میتوان به صلح شرافتمندانه دست یافت؟ تضمین کنند هاین صلح شرافتمندانه "د د ام رژیم میتواند باشد؟ د دستیابی به يك صلح واقعی د ر گرو سرنو رژیم جمهوری اسلامی است. د ر شرایطی که روز به روز مردم بیشتر به سیاستهای جنگ طلبانه رژیم بی برده و پس از هر بار انسی شعارهای مرگ بر خمینی را سر میدهند ارا که چنین موضعگیریهای انحرافی ضربه‌ای به مبارزات حق طلبانه و د مکرراتیک مردم ایران است. و د ر نتیجه کمک به د ام و ا دامه حیات هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی محسوب میگردد. بقیه د ر صفحه ۱۷

بقیه از صفحه ۱

از مبارزات قهرمانانه پیشمرگان کومه له... نشان میدهد که آنها جبر رژیم فاشیستی - مذهبی با قریب به ۴۰۰/۰۰۰ نیروی مسلح به کردستان نرفته‌اند و توانسته‌اند خللی بر مبارزات برحق و آزاد یخواهان مردم کردستان وارد آورد، بلکه آنان را در دفاع از حقوق حقه خود آبدید متوجه تجربی‌تر نمودند. در این عملیات رزمندگان کومه له توانسته‌اند شکستهای سختی را بر قوای دشمن وارد آورند. در قسمتهایی از مقاله آمد هاست:

"نیروی پیشمرگ کومه له در سال گذشته در برتوحمايت و شستيباني بيد ريخ مردم زحمتکش و آزموه کردستان و در ريشاپيش آنها با توان و قدرت رزمي بمراتب بيشتري در دل اين شرايط و در کوران مبارزهاي سخت و خونين، در ميدانهاي جنگ انقلابي خلق کرد عليه قوای اشغالگر و سرکوبگر جمهوري اسلامي ابتکار و خلاقيت، کارداني و جسار را به نمايش گذاشته و با اتخاذ تاکتيکها و آرايشهاي متناسب با هر مرحله جد يد جنگ و در شرايط اشغال نظامي کردستان، خود را با اين شرايط منطبق کردند."

مقاله سپس بطور مختصريند کرو قايح و در گيرها در يكسال گذشته ميبرد از و در پايان بيان مي دارد: "طی يكسال گذشته پیشمرگان کومه له عليه نیروهای اشغالگر و سرکوبگر جمهوري اسلامي ۶۰۶ فقره عملیات بمرحله اجراء آورد هاند، از جمله، ۱۱ فقره عملیات از نوع تسخير يا يگا ه و مقروض خلع سلاح بسيجيهاي رژيم را اجرا کرد، ۵۶ بار به داخل شهرها نفوذ کرد و دست به جرای عطيا نزودند و ۲۸ فقره عملیات کيسن و کنترل جاده ها را انجام دادند."

در مجموع اين عطيا تنها بالغ بر ۵۱۰۰ تن از مزدوران رژيميهلاکت رسيد و ۴۲۶ نفر ديگر به اسارت پیشمرگان درآمدند، هم چنين ۱۹۵ خود رونظامي و دولتي منهد مو

با به آتش کشيد هشد. و همچنين تعهد اد ۶۴۷ قبضه اسلحه سبک، نیمه سنگين و سنگين شامل ۳۳۹ قبضه تفنگ ژ. ۳، ۶۷۲ قبضه کلاشينکوف، ۱۸ قبضه مسلسل سنگين و نیمه سنگين، ۹۱ قبضه از انواع سلاحهای سبک ديگر، ۱۷ قبضه آرمي. جی. ۷، ۹ قبضه قناسه، ۴ قبضه خمپاره انداز قبضه نازجک انداز و ۲۰ قبضه تفنگ ۱۰۶ ميلي متری به قيمت پیشمرگان کومه له درآمد. علاوه بر اينها تعداد فراواني مهمات سبک و سنگين منجمله ۱۷۳۳۱۰ عدد تفنگ از انواع مختلف به همراه ۲۷۵۰۰۰ ستگا ميسيم و... به قيمت گرفته شد. در گرماگر نبرد های روياروي سال گذشته نیروهای جمهوري اسلامي، ۴۶ رزمند ه کمونيست و پیشمرگ کومه له

جان باختند."

عملیات قهرمانانه فوق نشان میدهد که رزمندگان کومه له در مبارزه بر عليه رژيم آروحيه مبارزه جويانه فوق العاده ای برخوردارند و نیروهای دشمن تا چنانچه از های در مقابل قوای متشکل و مسلح مردم، ضعيف و ضربه پذيرند. ما آزاد يخواهان ايران مبارزات قهرمانانه پیشمرگان کومه له را بر عليه رژيم جمهوري اسلامي دشمن اصلي مردم ايران ارج ميگذاريم و موفقيت و پيروزي هر چه بيشتري پیشمرگان را آرزو مينمائيم.

در عين حال خاطره کليه مبارزيني که در راه آزادي و د مكراسي جان عزيز را فد ا کرد هاند، زند ه و گرامي مي داريم □

بقیه از صفحه ۱۶

نگاهی بر مطبوعات و...

تبریک بمناسبت انتشار تازه کتاب جمعه

نشریه دفترهای هنر و ادبیات از انتشارات سازمان فدائیان (اکثریت) در خارج از کشور شماره ۹ زمستان ۶۳ در بخش اخبار ورود اد های فرهنگی و هنری، انتشار کتاب جمعه در خارج از کشور را به مسئولان آن تبریک گفته و مینویسد: شنیدیم که برخی از یاران سابق "کتاب جمعه" که در ایران به سردبیری شاعر ارجمند احمد شاطو منتشر میشد در خارج از کشور اقدام به نشر مجدد آن با نام "کتاب جمعه ها" کرد هاند که البته به طور هفتگی بلکه بصورت گاهنامه منتشر میشود. نشر مجدد این کتاب راه دست اندرکاران آن تبریک می گوئیم و امید داریم در آیند هنوز يك بتوانند به انتشار هفتگی آن بپردازند. در این کتاب جای قلم شاطو خالی است □

نمایشگاه بمناسبت هشتمین سالگرد درگذشت دکتر شریعتی

چندی پیش از سوی دانشجویان ارشاد دعوتنامه ای برای شرکت در نمایشگاهی که بمناسبت هشتمین سالگرد درگذشت دکتر شریعتی ترتیب داده شده بود، دریافت داشتیم. نمایشگاه مزبور در تاریخ ۲۶ ماهه ۸۵ در پاریس برگزار گردید و برنامه نمایشگاه بدین قرار بود:

"سیر تاریخی حرکت آموزگاران رنسانس (سید جمال، اقبال، شریعتی) گزیده های از اندیشه ها و آثار معلم انقلاب معرفی تشکلات پیروان معلم گزیده های از مواضع سیاسی ایدئولوژیک دانشجویان ارشاد"

در ضمن در این نمایشگاه اطلاعیه ای نیز به مناسبت هشتمین سالگرد درگذشت دکتر شریعتی پخش گردید □

بقیه از صفحه ۷

روضه خوانی ابریشمی

مرد به شکست و ناگامی نیا نجا مید هاست ؟
و آن عناصر صادقی که زمانی از رژیم خمینی
بشدت حمایت مینمودند پس از آگاهی و
روشن شدن از حقایق بر علیه رژیم مبارزه
برنخواستند ؟

آیا رهبری سازمان نباید این مسئله را
در نظر بگیرد که با برقراری روابط غیر
مؤکراتیک و رواج تعصب و گماتیسیم
موجبات به خطر افتادن حیات سیاسی و
در نتیجه منزوی شدن خود را فراهم
می آورد ؟

معیار انقلابی و ضد انقلابی بودن

یکی دیگر از نکات قابل توجه در سخنرانی
آقای ابریشمی بیان یکسری تهمتها و
افتراها و شعارهای بی محتوا بود . بطوریکه
بشدیدترین وجهی تمام گروهها و سازمانها
مخالفت خود را با اقدامات اخیر سازمان
ابراز نمود هاند ، راهبها در حمله گرفته و آنان
را "ضد انقلابی" نامید . در اینجا باید از
ایشان سوال کرد که معیار انقلابی بودن
و یا "ضد انقلابی بودن" از نظر سازمان
مجاهدین چیست ؟ آیا اگر نیروی فردی به
مخالفت با خط مشی انحرافی رهبری
سازمان مجاهدین برخیزد ، درجه سه
"ضد انقلاب" قرار دارد ؟ و یا برعکس اگر به
دفاع از مواضع سازمان مجاهدین برخاسته
و یا در این مورد سیاست سکوت را اتخاذ
نماید ، "انقلابی" میباشد ؟ ابریشمی
در بخشی از سخنان خود در رابطه با
اقدامات اخیر سازمان بیان کرد : احزاب
قالتاق سیاسی درک بهتری را از این
مسائل داشته اند . باید از وی پرسید
منظور از "حزب قالتاق سیاسی" کدامین

بقیه از صفحه ۶

حزب توده و شعار سرتنگونی رژیم

اصلی مرد ایران رژیم جمهوری اسلامی
است ، بالاخره حزب توده ایران جز
اپوزیسیون قرار دارد یا نه ؟ آیا در صورتی
که - چه خواهیم چه نخواهیم - حزب
توده خود را از رون برای اپوزیسیون تحمیل
نموده و از نفوذ رهبرش و موقعیت
ویژه های برخوردار است و طرفداران و
اعضایش در شکلهای گوناگون در خلفا
در همه جا ناظر و مواظب هستند ، میتوانیم
بگوئیم : حزب توده فراموش اپوزیسیون
بی رویگر نباشد راه دارد ؟ در جواب
باید گفت :

خانه از پای بست ویران است

خواجهر ریند نقش ایوان است
توده ایها هستند ! آنان در درون
اپوزیسیون با کمال قدرت وجود دارند !
برخی از همین آقایان روشن فکران ،
"پیشرفتهای" که من و شما را گمراه
سخنان در فریب گرد هم میاورند و از
"عزت و احترام" فراوانی در بین ایرانیان

برخورد دارند و نامشان بر سر هر کوی و
برزنی و عکشان زیننده صفحات نشرها
اپوزیسیون است ، همان سفیران و
پیام آوران حزب توده هستند که بدون
اجازه آنها آب هم نمیتوانند بخورند .
پس چه باید کرد ؟ آزادخواهان ایران
به کجا باید روی آورند ؟ از چه کسی
مدد جویند ؟ آزادخواهان ایران
باید بی برند که بخود متکی گردند و
جد از دستهای دشمنان ایران متحد
گردند و طرحی نودراندازند . □

جمشید آریانپور

یادداشتها

- ۱ - "نامه مردم" شماره ۴۸ ، ۱۲ اردیبهشت ۶۴
- ۲ - همانجا
- ۳ - همانجا

به روز از مسیر مبارزات آزادخواهان ملت
ایران در خواهند گردید . □

س . بزرگمهر



دوستان عزیز!

به این آدرس با ما مکاتبه نمایید:

SAYADI
B.P. 211
92220 BAGNEUX
CEDEX FRANCE

احزاب میباشد؟ و به چه علت دارای
درک بهتری هستند ؟

در خاتمه لازم یادآوری است که ما
ضمن احترام و ارج نهادن به مبارزات برحق
سازمان مجاهدین بر علیه رژیم و انتقاد از
اشکال عمدتاً این سازمان یعنی اقدامات
در سیاست و سایر روابط غیر مؤکراتیک ،
امید داریم که رهبری مجاهدین به این مسئله
توجه نمایند که انتقاد سازنده لازم همیشه
مبارزات مؤکراتیک و آزادخواهانسه
میباشد و رهبری سازمان با برخورد صحیح
و اصولی در حل و رفع اشکالات و انتقادات
موجود اقدام نماید . در غیر آن صورت روز

بقیه از صفحه ۲۰

اسکندری و تزلزل وی

نتوانست از "تخلفات"، "اشتباهات" و "گجریه‌های" حزب تود هملنا پیر مبراری نماید (میتوان در جمع‌های جستجو نمود؟) آید لیل این امر ناشی از تزلزل وی نبود که متاسفانه گریبان اکثر رهبران "و روشنفکران" ما را گرفته است و هملت همین تزلزل و در وگانگی است که می بینیم بعد های از "هیرن" و "روشنفکران" که برخی از آنان رهبری سازمان‌های عربی و طویلی را یدک میکشیدند با حاد شدن شرایط مابانی و اصولی که میگفتند بد آنها معتقد هستند را بر احتی زیرا گذارد بود مسیر غلط قرار گرفتند. هملت همین در وگانگی است که روشنفکران "چپ" و "مترقی" شهادت و بی‌ارای دیدن و بازگونی نمودن واقعیات جامعه ایران و نقشی که خود در روی کار آوردن رژیم خمینی ایفا نمودند را دارند.

ایرج اسکندری نتوانست تا آخر عمر بر تزلزل و وگانگی خویش غلبه نماید و بخاطر منافع مرد ایران که با سیاستهای حزب تود همد رضاد بود، منافع حزبی و شخصی خویش را کنار بگذارد. هملت همین تزلزل، زمانیکه رژیم خمینی روی کار آمد، با وجود مخالفت با سیاست همکاری هشتتبیانسی حزب تود هاز رژیم خمینی که وی نتیجه آنرا یک "قاجعه" میدانست، در مصاحبه‌های با مخبّر اومانتیه در ۷ شهریور ماه ۳۵۷۲ (به طرز آرزای خود) از آخوند ها و روحانیون مترقی "برخواست و بیان نمود: در تعالیم اسلام اصلی وجود دارد که متنهای مابانی سیاسی حزب ما را نفی نمیکند بلکه موهبت آنست به همین سبب نقاط مشترک میان حزب ما و تعالیم اسلام کم نیست."

می بینیم چگونه اسکندری با وجود آگاهی از این اصل علمی که حالت دین در سیاست منجر به ناپا بود و مکر اس و آزادی میگردد،

نتوانست خود را از قید سیاست حزب توده در دفاع از "روحانیت مترقی" و "اسلام مبارز" که برای منافع خاصی اعمال میشود، رهسار نماید.

اسکندری بعد از برکناریش از دبیر کل حزب تود هدر مقابل تقاضای عد های از همفکرانش که از وی میخواستند در حزب تود هدرست به انشعاب بزنند، می گفت: "من به حزب خنجر نمی‌زنم." و متاسفانه هرگز در افشای علنی سیاستهای حزب توده اقدام ننمود. در صورتیکه این استدلال منطقی نبود و نمیتوانست مانع بیان حقایق باشد. با در نظر داشتن ضربه‌های که بر پیکر جنبش آزاد یخواهان ملت ایران بطور اجماع و جنبش چپ ایران بطور اخص از جانب رهبران حزب تود هوارد شد هاست، اتفاقاً این انشعاب در خد مت منافع مرد و آرمانی که حزب تود هاد عای آنرا داشت، قرار میگرفت. همهات که و شهادت و جسارت اینراند داشت که خود را از قید وابستگیها در طی سالیان در از فعالیت در حزب توده مانند زنجیری در ست‌های وی ریاست نمود، نجات در هد. بود راه منافع مرد کشورمان از تجربیات خود نتیجه‌گیری نمود و از فاجعه‌های که در ایران بوقوع می‌پیوست، بر

حد توانائیش جلوگیری کند تا از این طریق موجب آگاهی و هوشیاری جوانان بی تجربه و نا آگاهی که فریب شعارهای حزب تود هرا در مورد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خورد هبوند، گردد و آنان راهشمار نماید تا در امر وابط غلط حزب تود هنیفتند. اما اسکندری با عیان نمودن واقعیات و حقایق پشت پرده سیاستهای حزب تود ه و "تخلفات" بیشماری که رهبری آن مرتکب شد هبود، نتوانست با شاید نخواست در او اخر عمر خود نیز وظیفه انسانی و ملی خود را ایفا کرد هبود بین طریق دین خود را نسبت به ملت ایران در انماید. شاید این بزرگترین انتقاد می‌تواند باشد که به اسکندری وارد است.

البته گفته میشود اسکندری در او اخر عمر تحریر "تخلفات" و سیاستهای "خطا آمیز" و انحرافی حزب تود هرا شروع نمود هود را این بار همیشه از صد صفحه مطلب نوشته است. اما مرگ به وی مهلت نداد که آنرا به پایان برساند. در صورت چنین امری باید گفت افسوس که وخیلی در بر فکرایین مسئله افتاد. و اکنون باید از رهبران حزب تود هانتظار داشت هاشیم که آنرا در دسترس همگان قرار دهند! □ الف. شکوهی

ما و خوانندگان :

- بقلم آقای احمد رناسی
- ۳- در جلد اول و دوم کتاب "ختر"
 - ۴- "کارنامه فرهنگ و هنر ایران"
 - ۵- نشریه جبهه "ارگان ملیون ایران"
 - ۶- شماره‌های ۳ و ۴ و ۶ اندیشه‌های "نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی به انضمام اخباری از ایران با تشکر از لطف همه دوستان و سایر عزیزانی که با نامه‌های محبت آمیز ما را از نظریات خویش مطلع و مورد تشویق قرار داد هاند، برایشان آرزوی موفقیت مینمائیم.

در راه گذشته از جانب برخی از سازمانها، گروهها، شخصیتها و دوستان عزیز نشریات و کتب برای ما ارسال گردید. برخی از مطالب دریافت شده بقرار زیر است:

- ۱- کتاب "کارنامه روزنامه میرزا رضا کرمانی" نوشته خانم هانا طوق
- ۲- جزوه "ماجرای حزب در مکران و کومله"

روضه خوانی ابریشمی

چندی پیش ویدئوی سخنرانی آقای ابریشمی پیرامون "گزارشی از انقلاب ایدئولوژیک . . ." در پاریس به معرض نمایش گذاشته شد. در سخنرانی مزبور وی در واقع نقش یک روضه خوان را ایفا نمود. همدست چهار ساعت و نیم بطور متوالی به نوحه سرایی پرداخت و تمام سعی و کوشش خود را بکار بست، آسمان و زمین را به پافت و به هر وسیله ای تشبیه شد تا بتواند از واج مرد موسعود رجوی را به شبهه "انقلاب ایدئولوژیک" توجیه نماید. هم چنین با بکارگیری طرق مختلف مغزشویی از جمله "مظلوم نمایی" و ترتیب دادن مجلس

شیمون وزاری، سعی نمود اعضا "وهوادلرانی" را که بخصوص پس از اقدامات اخیر رهبری از سازمان مجاهدین فاصله گرفته و با آنان جدا شده اند را با "شبهیج" و "تحسریک" نمودن و تحت فشارهای روحی و روانی قرار دادن بار دیگر جذب سازمان مجاهدین نماید. در حالیکه هنوز مدت زیادی از نمایش ویدئوی سخنرانی آقای رجوی و آقای ابریشمی پیرامون همین مسئله سپسری نگشته است، ببینیم هدف سازمان مجاهدین از نمایش اخیر ویدئوی سخنرانی چه بود؟ در این مورد باید گفت پس از انعکاس نظرات

اخیر سازمان در رابطه با مسائل "رهبری" "رهائی زن" "مسئله مکرسی" "انقلاب ایدئولوژیک" (ازدواج مریم و سعید) و . . . موج اعتراضات و مخالفتها نسبت به اعمال اخیر رهبری سازمان بخصوص از طرف برخی از اعضا "وهوادلرانی" مجاهدین بالا گرفت، از این رو سازمان مجاهدین بشدت به هراس افتاد و در واقع "مجبور" شد در مقابل عکس العمل اعضا "وهوادلرانی" برنامه جدیدی با ابعاد گسترده تری را برای توجیه اعمال اخیر سازمان ترتیب دهد. در ذیل به شرح قسمتها و نکات مهم جلسه روضه خوانی میپردازیم.

بقیه در صفحه ۷

اسکندری و نزل وی

در گذشت ایرج اسکندری در سی ام آوریل گذشته، یار دیرپو موجب گردید به نقش وی در اجرای سیاستهای حزب توده در وطن پیش از جهل و سه سال فعالیت در آن حزب به تعمق بپردازیم. وی که یکی از بنیانگذاران حزب توده بود، علاوه بر عضویت در رهیت سیاسی و اجرایی حزب برای مدت ۹ سال در فاصله سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ یعنی مدتی قبل از روی کار آمدن رژیم خمینی سمت دبیر کلی حزب را نیز بر عهده داشت.

در دوران حیات ایرج اسکندری باید دید آمدن تحولات و وقایع تاریخی بس عظیمی همچون انقلاب کبیرا کبیر، جنگ جهانی اول و دوم و جمود که موجب درگونیهای بسیار و ایجاد و گسترش جنبشهای آزادپخش

در سطح جهانی گردید. در این دوران بسیاری از کشورهای جهان استقلال خود را بدست آوردند. وی بنا به موقعیت و شرایط خانوادگی خود، فرصت یافت نمود در عنوان جوانی برای ادامه تحصیلات به فرانسه آمدن و از نزدیک با اشکات و نتایج بسیار شگرفی که در سطح جهانی به وقوع پیوسته بود، آشنا شود. اما متأسفانه اسکندری با شناخت و آگاهی از این همه تجارب تاریخی سیاسی و اجتماعی نتوانست نتیجه گیری صحیح نمود و او از آنها در زندگی سیاسی خود در جهت منافع کشور و مردم ایران بهره گیری ننماید. زیرا زمانیکه متوجه شد حزب توده راه "خطا" می رود، علناً مخالفتش را بر علیه سیاستهای مخرب و "خطا آمیز" حزب ابراز ننمود. ایرج اسکندری بارها

مخالفت خود را با "جریانهای ناسالم" در رونی حزب توده ابراز نمود و چنانچه در زمانهای که در شماره ۷۴ کیهان چاپ لندن درج گردید، هست، وی ضمن ابراز اینکه باید بین حزب توده و او ایل و وزان بوجود آمدنش و حزب توده های که بعداً توسط "جریانهای ناسالم" عمل بصورت "عاطفی" منفعل درآمده، فرق گذاشت، مینویسد: امروز دیگر مخالفت و مقاومت و مبارزات من در برابر عواملی که کوشیدند سازمان حزبی را به مسیری بکشانند که استقلال حزب تعارض دارد بر کسی پوشیده نیست. اما علت اینکه اسکندری بنا بر موقعیت خود در حزب توده و اطلاع از جریانات در رونی حزب

بقیه در صفحه ۱۹